

صلاحیت جهانی نهادی پوپولیستی یا لازمه زیست بین المللی؟

چکیده

در جهان تحولات خاصی در حال رخ دادن است؛ «پوپولیسم یا عوام فریبی» به معنای عام آن در تصمیم گیری های اجتماعی و سیاست خارجی دولت ها در حال افزایش است و علیرغم ادعاهایی مبنی بر اینکه پوپولیست ها صدای واقعی مردم هستند، پوپولیسم نسخه ای معتبرتر از دموکراسی و همچنین اقدامی اصلاحی برای همسویی مجدد دموکراسی ها با افکار عمومی، ارائه نمی دهد. پوپولیست ها در حوزه قدرت و حاکمیت خود به دنبال حذف چهار ستون اصلی دموکراسی یعنی استقلال قضایی، حقوق سیاسی گروه های محروم، برابری جنسیتی و آزادی مطبوعات هستند تا ثبات خود را تضمین نمایند. از آنجا که اجرای «اصل صلاحیت جهانی» در نظام حقوقی کشورها یکی از نمونه های استقلال قضایی (داخلی و بین المللی) و دستیابی به عدالت در حقوق کیفری بین المللی است و با توجه به افزایش روز افزون جنایات بین المللی و حقوق بشری، با عدم نیاز و یا تمایل کمتری از سوی دولت ها برای استفاده از این اصل فرامنطقه ای مواجه هستیم. این امر نشان می دهد که پوپولیسم به طور جدی به عدالت، حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون آسیب وارد می کند. پرسش اصلی این است که چگونه صلاحیت جهانی به نهادی پوپولیستی یا عوام فریب در حقوق بین الملل بدل شده است؟ در طول دهه های گذشته تا به امروز چه عواملی باعث شده است تا اجرای اصل صلاحیت جهانی در کشورهای دنیا با کندی پیش برود؟ پاسخ به این سوالات را می توان در واکاوی مفاهیم صلاحیت جهانی، بررسی قوانین مرتبط با این اصل در برخی کشورهای دنیا و همچنین ارزیابی دیدگاه پوپولیستی در تصمیم گیری های سیاسی دولت ها در اجرای اصل صلاحیت جهانی، بدست آورد.

کلید واژگان:

پوپولیسم، صلاحیت جهانی، حقوق کیفری بین المللی، حقوق بین الملل، زیست بین المللی.

مقدمه

هر اجتماعی ارزش ها، منافع و نظم خاص خود را دارد. اجتماع بین المللی، به طور خاص و جامعه بین الملل، به طور عام، نظم عمومی خاص خود یعنی نظم حقوقی بین المللی را دارا می باشند. این اجتماع همچنین نیازمند سازوکارهای ویژه ای برای صیانت از این نظم عمومی می باشد. هدف اصلی حقوق بین الملل کیفری صیانت از نظم عمومی بین المللی است. حقوق بین الملل کیفری، برای رسیدن به این هدف، باید به جنایات بین المللی واکنش نشان دهد.^۱ «صلاحیت جهانی» آن واکنشی است که همه دولت ها را برای رسیدگی به این جرایم، که به عنوان جنایات مایه نگرانی جامعه جهانی و در خارج از قلمرو آن ها، صرف نظر از محل وقوع جرم و قطع نظر از تابعیت مرتکب یا قربانی، شناخته شده اند، صاحب صلاحیت می نماید.^۲ با این حال، در دنیایی که پوپولیسم به طور فزاینده رو به افزایش است، تحولات خاصی رخ می دهد که از یک سو نیاز به یک اصل فراسرزمینی مانند صلاحیت جهانی افزایش می یابد و از سوی دیگر، به دلایل واقعی دولت ها تمایل کمتری به استفاده از آن دارند.

شاید بتوان گفت یکی از علل کاهش این تمایل، نفوذ نگرش ها و جنبش های پوپولیستی و ناسیونالیستی در سیاست های دولت و بالطبع مفاهیمی همچون حاکمیت دولت، تمامیت ارضی و مصونیت از دادرسی کیفری خارجی است. بنابراین صلاحیت جهانی از گذشته بهانه و ابزاری مستعد برای جدل، سوء استفاده های سیاسی و بازی های قدرت بوده و به جای آن که بیشتر به عنوان وسیله ای برای عدالت استفاده شود، برای پیشبرد منافع سیاسی ملی، استعمار حق و حقوق، یا گفتگوها و مذاکرات مطرح می شود.

این پژوهش ابتدا با طرح این سوال که چگونه صلاحیت جهانی به پوپولیسم حقوق بین الملل تبدیل شده است؟ ضمن بررسی مختصر عوام فریبی یا پوپولیسم و اصل صلاحیت جهانی از جهات تاریخی، تعریف و منشاء، این اصل را در قوانین برخی کشورها ارزیابی نموده، مشخص می نماید که از این اصل پوسته ای جز نام و تعریف آن باقی نمانده است. فرضیه پژوهش این است که رفتارها، نظرات و جنبش های پوپولیستی در بدنه دولت از سطح ملی فراتر رفته و به حوزه دیگری نفوذ کرده و به گونه ای بر دولت های ملی تأثیر گذاشته است که توانسته سیاست خارجی و اراده اجتماعی دولت

^۱ هیبت الله نژندی منش، جامعه بین المللی و حقوق بین الملل در قرن ۲۱، مجموعه مقالات اهدایی به استاد محمدرضا ضیائی بیگدلی، (تهران: تهران، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳)، ۴۷۹.

^۲ علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم، کیفرشناسی، (تهران: نشر مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۴)، ۲۱.

ها را تحت الشعاع قرار دهد و تا جایی پیش رود که با مفاهیم جهانی حقوق بشر و حقوق کیفری بین المللی در تضاد قرار گیرد و اصل صلاحیت جهانی را تهدید نماید.

۱- اصل صلاحیت جهانی؛ تعریف، اصول، منشاء و ریشه ها

صلاحیت جهانی در معنای کلاسیک "اصلی حقوقی است که کشورها ملزم نموده و اجازه می دهد تا بدون در نظر گرفتن محل وقوع جرم و ملیت مرتکب یا قربانی به جرایم و جنایات خاصی رسیدگی نماید".^۳ این تعریف بر این مفهوم مبتنی است که برخی از جرایم به قدری برای منافع بین المللی مضر است که کشورها موظفند بدون توجه به محل وقوع جرم، ملیت مرتکب یا مقتول، علیه مجرم یا مجرمین این پرونده ها رسیدگی کنند. صلاحیت جهانی؛ محاکمه جنایتکاران بین المللی توسط هرکس در هر کجای دنیا می باشد.^۴ شاید صلاحیت جهانی بحث برانگیزترین اصل صلاحیت در حقوق کیفری بین المللی باشد که قطعاً بیشترین مباحث نیز حول این محور صورت گرفته است.^۵ مفهوم صلاحیت در حقوق کیفری بین المللی، تکنیک برتر و مرجحی است که به دنبال اعمال مجازات برای جنایات بین المللی است.^۶ در ده سال گذشته، مفهوم صلاحیت در بسیاری از مسائل مربوط به حقوق بین الملل بشردوستانه نیز به عنوان یک مسئله محوری مطرح بوده است.^۷ تعریف و اجرای صلاحیت جهانی در سراسر جهان نیز متفاوت است. مجازات در دادگاه های ملی یا بین المللی برای محاکمه افراد برای جرایم بین المللی در هر کشور و سرزمینی، به چارچوب حقوقی و قانون داخلی آن کشور و به حقایق موجود در هر مورد و جرم خاص اتفاق افتاده بستگی دارد. می توان گفت دو دلیل و الزام اساسی برای کاربرد و گسترش صلاحیت جهانی وجود دارد؛ اول، یک جنایت خاص باید با یک قاعده اساسی حقوق بین الملل ناسازگار باشد و بنابراین یک قاعده آمره^۸ را نقض کند. دوم، جنایت باید به اندازه کافی جدی باشد تا تهدیدی برای جامعه جهانی باشد.^۹

³ Kenneth C. Randall, "Universal jurisdiction under international law", *Texas Law Review* 66 (1988): 785-8-
"International Law Association Committee on International Human Rights Law and Practice", *Final Report on
the Exercise of universal jurisdiction in respect of gross human rights offences*.

⁴ Mary Robinson, "The Princeton Principles on Universal Jurisdiction (New Jersey, Publishers Princeton,
Princeton University Press, 0971185905 paperback, 2001), 16.

⁵ David Lasok, "The Eichmann Trial", *Cambridge University Press* 11(2008): 355,364.

⁶ Alfhadhel Khalifa & Mahmoud Cherif Bassiouni, "Chronicles of the Egyptian Revolution and its Aftermath:
2011-2016", *Asian Affairs* 48 (2017): 82.

⁷ Oscar Solera, "Complementary jurisdiction and international criminal justice", *Published by Cambridge
University Press* 84 (2010): 43.

⁸ jus cogens.

⁹ سیدعلی هنجنی، «قواعد بنیادین حقوق بین المللی کیفری و قواعد آمره»، *مجله حقوقی نشریه مرکزی امور حقوقی بین المللی
معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری* ۳۳ (۱۳۸۴)، ۲۳۷.

واکاوی اصل صلاحیت جهانی نیازمند بررسی عرف و کنوانسیون های بین المللی می باشد^{۱۰} که در این مقال نمی گنجد اما اجمالاً از منظر بین المللی (حقوق بین الملل)، منشاء صلاحیت جهانی ممکن است معاهده یا عرف باشد. همچنین صرف نظر از منشأ (عرفی یا قراردادی بودن) و ماهیت (الزامی یا اختیاری بودن)، اعمال صلاحیت جهانی نیازمند شرایطی است؛ که از منابع مختلف حقوق بین الملل استخراج شدنی است.^{۱۱} معاهدات یا کنوانسیون های بین المللی به عنوان وسیله ای رایج و مناسب برای بیان اهداف مشترک دو یا چند کشور و پیش بینی طرق نیل به آن اهداف به کار می روند. منشاء و اساسی که آن را می توان در حقوق بین الملل عرفی و در قرن هفدهم و مربوط جرم دزدی دریایی اعلام نمود. دلیل این مجوز استثنایی به کشورها، لزوم مبارزه مشترک با نوعی جرم و جنایت است که همه کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. بنابراین صلاحیت جهانی براساس نگرانی مشترک همه کشورها بنا شده است. هر کشوری می دانست که با پیگرد قانونی دزدان دریایی مشکوک، در عین حال برای محافظت از منافع خود و سایر کشورها اقدام می کند. معاهدات یا کنوانسیون های بین المللی به عنوان وسیله ای رایج و مناسب برای بیان اهداف مشترک دو یا چند کشور و پیش بینی طرق نیل به آن اهداف به کار می روند.^{۱۲}

در صورت فقدان معاهده، حقوق عرفی اصل صلاحیت جهانی را به عنوان مسأله ای اختیاری و نه امری مطرح می کند. برای مثال در کنوانسیون نسل کشی ۱۹۴۸ اشاره ای به اصل صلاحیت جهانی نشده است، اما برخی از حقوق دانان اعمال این اصل را بر مبنای حقوق بین الملل عرفی امکان پذیر دانسته اند.^{۱۳} بنابراین دادگاه داخلی مشروعیت خود را از عرف یا معاهده بین المللی و قوانین ملی کشور متبوع کسب می نماید. بدین ترتیب اصل، منشاء و مبانی اصل صلاحیت جهانی که هم اکنون نیز به عنوان فرمول و اصلی مدرن در حقوق بین الملل از آن یاد می شود اصلی حقوق بشری و بنیادین است. با این حال بدون در نظر گرفتن بیان کاسسه در سال ۲۰۰۳، که ادعا کرد "به نظر می رسد که اصل صلاحیت جهانی در مورد جنایات بین المللی در گذشته است، وگر نه در حال حاضر

^{۱۰} سینا رستمی، «بررسی حدود اعمال اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه داخلی کانون وکلای خراسان ۱۹ (۱۳۹۸)، ۱۳۹.

^{۱۱} سید یاسر ضیایی، سعید حکیمی ها، «شرایط حقوقی اعمال صلاحیت جهانی در حقوق بین الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی ۵۳ (۱۳۹۵)، ۹۷.

^{۱۲} فضل اله فروغی، «منشاء و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز ۳ (۱۳۸۸)، ۲۳.

^{۱۳} علی خالقی، «محاكمه صدام و مسأله صلاحیت دادگاه از منظر حقوق داخلی و بین المللی»، مجله پژوهش های حقوقی ۴ (۱۳۸۲)، ۱۱۵.

دوران مرگ خود را طی می کند"^{۱۴}، هر چند که اصل صلاحیت جهانی با چالش های بسیاری روبرو است، اما موضوعی است که به شدت در مورد آن بحث و گفتگوست و در عین حال حساس است و موضوع حقوق بین الملل مدرن باقی می ماند.

صلاحیت جهانی در درون خود دو مفهوم مهم و تعیین کننده دارد. مفهوم موسع(صلاحیت جهانی مطلق) و مضیق(صلاحیت جهانی مشروط). در مفهوم موسع صرفاً بر اساس ماهیت جرم عمل می شود. این امر به محل ارتکاب جرم، یا ملیت متهم، یا بودن متهم در قلمرو کشور دیگر بستگی ندارد. هر کشوری اختیار دارد یک طرفه و بدون توجه به ملیت فرد، علیه شخص اقدام کند. در اصل، صلاحیت جهانی، به دادگاه های داخلی امکان اجرای مؤثر قوانین بین المللی را می دهد و از همه مهم تر، این اصل نیازی به ارزیابی های مربوط به "صلاحیت شخصی" را ندارد. بنابراین، هر کشوری این اختیار را دارد که یک طرفه و صرف نظر از ملیت فرد، علیه وی عمل کند. از دیدگاه و نقطه نظر دولت ها، این شکل از صلاحیت، تهاجمی ترین فعالیت قضایی غیرقابل قبول است. مفهوم مضیق نیز منعکس کننده این ایده است که هر کشور مسئولی، علاقه دارد با به کارگیری عدالت، مرتکبان مهم ترین جنایات را بدون توجه به ملیت و محل ارتکاب، مورد محاکمه قرار دهد. بر این اساس، تنها و فقط دولتی که متهم در خاک آن بازداشت است می تواند وی را محاکمه نماید(دادگاه محل بازداشت یا صلاحیت محلی). به همین جهت، حضور متهم در آن سرزمین، شرط وجود صلاحیت است. بی تردید مفهوم موسع (صلاحیت جهانی مطلق) که در حقوق کیفری بین المللی به کار گرفته می شود می تواند به عنوان یک سازوکار مهم، مکمل تحقق عدالت بین المللی تلقی شود چراکه علاوه بر تکمیل صلاحیت دادگاه های کیفری بین المللی، می تواند وسیع ترین دامنه صلاحیتی را برای دادگاه های ملی در جهت مقابله با جنایات مهم بین المللی و حمایت از حقوق بشر به معنای حقیقی آن تضمین نماید. اجرای صلاحیت جهانی با روش و عملکرد های پوپولیستی برخی دولت ها به ضعف منجر شد و ایده اصلی صلاحیت جهانی توسط سیاست های بین المللی پوپولیستی تحریف گردید و باعث شد تا مفهوم موسع این اصل به سمت نسخه متعادل تر آن یعنی صلاحیت جهانی مشروط حرکت کند. این امر نشانه آن است که سیاست های پوپولیستی به دنبال عدالت خودساخته خویش است و با حقوق بشر و بخصوص عدالت واقعی به شکلی مرموز در تقابل است.^{۱۵}

¹⁴ Antonio Cassese, "Is the Bell Tolling for Universality? A Plea for a Sensible Notion of Universal Jurisdiction", *Journal of International Criminal Justice* 3 (2003): 589.

¹⁵ Ibid. 857-858.

۲- روند توسعه و پیشرفت صلاحیت جهانی

ارزش اجتماعی حقوق بین الملل برای توسعه و پیشرفت جامعه، به منظور ارتقا، هماهنگی و اتحاد هر کشور، کاملاً حیاتی است و حقوق بین الملل، توسعه صلح آمیز و هماهنگ در میان بسیاری از کشورها را محقق کرده است. صلاحیت جهانی در حقوق بین الملل در سال های اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و پس از دوره معینی توسعه تاریخی یافته و دائماً بهبود یافته است.^{۱۶} در یک بررسی آماری انجام شده در مورد جنایات اصلی بین المللی بین سال های ۱۹۶۱ تا ۲۰۱۷ ظاهراً صلاحیت جهانی به آرامی در حال گسترش است اما این امر به طور قطع و یقین قابل تأیید نیست و می بایست بررسی شود. این آمار نشان می دهد که بین سال های ۱۹۶۱ تا ۲۰۱۰، سی و دو پرونده صلاحیت جهانی وجود داشته و از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ تعداد ۲۹ محاکمه دیگر به ثبت رسیده است. همچنین جدای از این افزایش در مجموع کارآزمایی های انجام شده در حوزه صلاحیت جهانی، دو نتیجه دیگر در طول زمان به ثبت رسیده است. در دهه بین ۱۹۸۸ و ۱۹۹۷ م، تنها در هشت دادگاه صلاحیت جهانی، حکم صادر شده است و از ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷، این تعداد به ۱۸ فقره افزایش یافته است. در نهایت، در دهه گذشته (از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ م) تعداد خیره کننده ۳۴ محاکمه در مورد صلاحیت جهانی انجام شده است. اما این همه ماجرا نیست. چرا که تنها ایجاد دادگاه صلاحیت جهانی کافی نیست و کمترین نتایج آن مانند تعقیب و مجازات مجرم، حمایت از قربانی، اجرای دادرسی منصفانه و ... نیز حائز اهمیت است.^{۱۷} در این میان برخی دادگاه های بین المللی مانند دیوان کیفری بین المللی هم که قرار بود نور عدالتی بر پیکره حقوق کیفری بین المللی بتاباند و ضعف صلاحیت جهانی را مرجمی باشد، نتوانست عملکرد مناسبی از خود برجای گذارد و عدم تمایل و ترغیب کشورها در پیوستن بدان را بوجود آورد. همچنین در عمل موانع و مشکلاتی در اجرای صلاحیت جهانی وجود دارد که با حاکمیت برخی کشورها در تعارض است به همین دلیل برخی کشورها صلاحیت جهانی را با قدرت آغاز و با گذشت یک دهه، با ضعف از آن پذیرایی نمودند.

بدون شک اسپانیا نمونه ای از اعمال صحیح صلاحیت جهانی (صلاحیت جهانی مطلق) است که آن را به صورت تهاجمی در پیش گرفت و آغاز کرد و خود را به عنوان یکی از مهمان نوازترین کشورهای جهان در پذیرش برخی از جنایات بین المللی صلاحیت جهانی نشان داد. آیین دادرسی

¹⁶ Zihan Zhang, "On the Universal Jurisdiction in International Law" (3rd International Workshop on Advances in Social Sciences (IWASS 2020) London, United Kingdom, from 2020-06-19 to 2020-06-21).

¹⁷ Máximo Langer & Mackenzie Eason, "The Quiet Expansion of Universal Jurisdiction", *The European Journal of International Law* 30 (2019): 788.

کیفری اسپانیا دادگاه های این کشور را مجاز می دانست برای جنایاتی که موجب استفاده از صلاحیت جهانی می شود مانند متهمین و مظنونین به جرایم نسل کشی، تروریسم و شکنجه را صرف نظر از ملیت آنها یا قربانیان آن تحت تعقیب قرار دهد. همچنین برای طرح شکایت براساس صلاحیت جهانی، نیاز به رابطه یا پیوندی با اسپانیا و حتی حضور متهم وجود نداشت.^{۱۸} اما تاریخ در سال ۲۰۱۴ مجدداً تکرار شد، زمانی که پارلمان اسپانیا لایحه ای را تصویب کرد که استفاده از صلاحیت جهانی را بیشتر محدود می کند. دادگاه های اسپانیا اکنون فقط در صورتی می توانند جنایات علیه بشریت را که در خارج مرتکب شده اند تحت تعقیب قرار دهند که مظنون شهروند اسپانیا باشد، فرد خارجی، مقیم اسپانیا باشد یا یک فرد خارجی باشد که استرداد وی توسط اسپانیا رد شده است.

در انگلستان صلاحیت حقوق کیفری به طور سنتی بر اساس اصل سرزمینی بنا نهاده شده است.^{۱۹} در دهه های اخیر، چندین اساسنامه و معاهده به دادگاه های انگلستان اجازه داده اند که صلاحیت جهانی را در مورد جنایات بین المللی اعمال کنند. قوانین ظاهری و فعلی انگلستان^{۲۰} نیز مقرر کرده است که مقامات انگلیس صلاحیت رسیدگی به جرایمی را دارند که فقط در خارج از انگلستان انجام شده است؛ و این در شرایطی است که متهم تبعه انگلیس، مقیم انگلستان یا سرباز انگلیس است. این محدوده صلاحیت قضایی شامل بازدیدکنندگان از انگلستان (توریسم و مشابه آن) و افرادی که دارای اقامت نبوده و یا وضعیت اقامت آن ها مشخص نیست، نمی شود.^{۲۱} این قانون تعقیب و مجازات را در مواردی که مظنون صرفاً "از آنجا عبور می کند" یا در انگلیس "حاضر" است، مجاز نمی داند.^{۲۲} به علاوه، این قانون شامل افرادی که جنایات بین المللی را مرتکب شده اند و در حال عبور از این کشور

¹⁸ Article 23.4 of the *Ley Organica del Poder Judicial* -Law on the Judiciary- LOPJ.

¹⁹ Halsbury's Laws of England, para. 1054, The main exception to this general rule has been that a British subject who commits murder or manslaughter abroad can be prosecuted in Britain. Id., para. 1061 (citing Offences Against the Person Act, 1861, 24 & 25 Vict., c. 100, §9), 4th ed. 2006 reissue.

²⁰ قانون دیوان بین المللی حقوق مدنی

²¹ Consistent with customary international law, the only exception to this jurisdictional limit is when the suspect is accused of grave breaches of the Geneva Conventions and its Additional Protocol and crimes of Torture. In this case, U.K. law provides for universal jurisdiction over these extraterritorial crimes regardless of the residency status of the suspect. Yet, there are still restrictions on this illustration. Because the ICC Act does not repeal the U.K. 1957 Geneva Conventions Act, which only applies to international armed conflicts, the current ICC Act does not provide an expansive jurisdiction over internal armed conflicts.

²² مهدی شیداییان، یزدان نصرتی، «شناسایی و چالشهای تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق انگلستان»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی ۸۲ (۱۳۹۷).

هستند، نمی شود.^{۲۳} بنابراین به نظر می رسد رویکرد قانونی و قضایی انگلستان برای رسیدن به اهداف اصل صلاحیت جهانی، با تصویب و استفاده از محدودیت های سرزمینی، با شکل صلاحیت جهانی مشروط مطابقت دارد. به نظر می رسد دولت انگلیس اخراج جنایتکاران جنگی را به پیگرد قانونی آنها ترجیح می دهد.^{۲۴}

احکام و مقررات مربوط به صلاحیت جهانی در کشور فرانسه، در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است. در حقوق فرانسه هم مانند حقوق ایران، صلاحیت جهانی اجازه می دهد که محاکم دولتی که مرتکب در خاک آن بازداشت شده یا حتی به طور عبوری در آن یافت شود به جرم ارتكابی صرف نظر از محل وقوع جرم و تابعیت مرتکب یا زیان دیده رسیدگی کند. طبق قوانین کیفری فرانسه، صلاحیت دادرسی این کشور براساس شخصیت فعال، شخصیت منفعل و اصول محافظتی است؛^{۲۵} اگرچه قانون فرانسه صلاحیت جهانی را براساس تعهدات معاهده ای در نظر گرفته است، اما در مورد برخی از جرایم، صلاحیت جهانی مطلق مبتنی بر قوانین بین المللی مشترک تعیین نشده است در نتیجه، صلاحیت جهانی به طور کلی در مورد برخی از جرایم از جمله جنایت علیه بشریت و جنایت نسل کشی در دادگاه های فرانسه قابل اجرا نیست. در یک بی توجهی به اصل صلاحیت جهانی، اصلاحیه جدیدی در سال ۲۰۱۰م در قانون فرانسه، در راستای ادغام مفاد اساسنامه رم در قوانین این کشور، محدودیت های شدیدی را برای دستیابی فرانسه به جرایم بین المللی ایجاد کرد. از جمله در مورد دادگاه یکی از ماموران دولت سوریه به جرم ارتكاب جنایت علیه بشریت، سه ماه پیش دیوان عالی فرانسه با صدور حکمی صلاحیت دادگاه های این کشور برای رسیدگی به این نوع پرونده ها را از اساس رد کرد در حالیکه دادگاه های فرانسه پیش از این درباره متهمان ارتكاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در جریان نسل کشی رواندا، حکم صادر کرده است.^{۲۶}

برای سال ها بلژیک یکی از مترقی ترین کشورها در تصویب قوانین مربوط به صلاحیت جهانی بود. قانون جزای بلژیک در سال ۱۸۶۷ اصل سرزمینی بودن قوانین این کشور را به رسمیت شناخت و در ۱۸۷۸ مواردی استثنایی را به قانون آیین دادرسی کیفری خود اضافه نمود. در سال ۱۹۸۶ صلاحیت

²³ although The term “resident” has now been expanded to include any person who has leave to enter or remain in the territory for the purposes of work or study, any person who has made an asylum claim, or any person who has had an asylum claim rejected but cannot be removed.

²⁴ “UK Approach to Protection of Civilians in Armed Conflict”, Published 27 August 2020, <https://www.gov.uk/government/publications/war-criminals>.

²⁵ Code P’enal Art. 113-2 (territorial jurisdiction); Art. 113-6 (active personality); Art. 113-7 (passive personality); Art. 113-10 (protective principles).

²⁶ <https://per.euronews.com/2022/01/19/differences-between-german-and-french-courts-in-crimes-against-humanity>, Updated on: 19/01/2012.

دادگاه های این کشور به طور محدود در خصوص حفاظت از مواد هسته ای موضوع کنوانسیون ۱۹۸۰ وین در قانون گنجانده شد. دیگر کنوانسیون ها نیز همچون کنوانسیون های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل های الحاقی (۱۹۷۷) آن نیز قبلاً در حقوق داخلی بلژیک از سوی پارلمان این کشور اعمال شده بود. در سال ۱۹۹۳، پادشاهی بلژیک قانونی داخلی^{۲۷} که استفاده دادگاه های بلژیک (در قوانین داخلی بلژیک) از اصل صلاحیت جهانی (برای جنایات بین المللی) را فراهم می کرد، تصویب نمود و در سال ۱۹۹۹ نیز با اصلاحاتی در این قانون، قلمرو آن را گسترش داده و پرونده های زیادی را در دادگستری بلژیک تشکیل داد. با این حال بسیاری از محققان حقوقی استدلال می کنند که اگرچه قانون صلاحیت جهانی بلژیک، از نظر تئوری قابل ستایش بود، اما در نهایت در سیستم بین المللی، این کشور را در یک وضعیت غیرممکن در مقابل کشورهای دیگر قرار داد.^{۲۸} بدین ترتیب، رؤیای شیرین محاکمه مرتکبان مهمترین جرایم بین المللی در بلژیک براساس صلاحیت جهانی مطلق تحقق نیافت و جز محکومیت چهار رواندایی در تاریخ تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۰۱ در دادگاه جنایی بروکسل، هیچ حکم دیگری در اجرای قوانین مربوط به صلاحیت جهانی در این کشور صادر نشد.^{۲۹} نهایتاً در اگوست ۲۰۰۳، دولت بلژیک، با خم شدن در برابر فشارهای شدید بین المللی، قانون رسیدگی به صلاحیت جهانی را لغو کرد و در عوض مقررات محدودی را برای صلاحیت جهانی در قانون کیفری^{۳۰} و مقدمه آیین دادرسی کیفری خود گنجانید.^{۳۱}

قوانین آلمان -هم قانون جزایی و هم آیین دادرسی کیفری آن- صلاحیت قضایی جهانی در مورد مجموعه گسترده ای از جرایم بین المللی را فراهم کرده است. آن چه قوانین آلمان را در صلاحیت جهانی با سایر کشورها متمایز می کند، طیف وسیع از نقشی است که قربانیان می توانند در دادرسی کیفری ایفا کنند. با این حال، آلمان به طور چشمگیری رهبری و پیشتازی صلاحیت جهانی خود را با

²⁷ Loi relative h la ripression des infractions graves aux Conventionsinternationales de Genhve du 12 aoltt 1949 et aux Protocoles I et 11 du 8juin 1977, additionnels a ces Conventions, Law of June 16, 1993, Moniteur Beige, 1993 (Belg.)- See Belgium: Act Concerning the Punishment of Grave Breaches of International Humanitarian Law, translated and reprinted, 1999 in 38 I.L.M. at 918, 921.

²⁸ Luc Reydams, "Belgium Reneges on Universality: The 5 August 2003 Act on Grave Breaches of International Humanitarian Law", *Journal of International Criminal Justice* 3 (2003):679 Doi.org/10.1093/jicj/1.3.679.

²⁹ علی خالقی، جستارهایی از حقوق جزای بین المللی، چاپ چهارم، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳)، ۱۴۳-۱۴۴.

³⁰ PgnalBelge.

³¹ Belgian Court of Cassation, Feb. Op. cit Moniteur Beige, Aug. 7, 2003, (Belg.). ina du Code de Procedure pdnale.

اصلاح قانون آیین دادرسی خود، تضعیف کرده است.^{۳۳} مثلاً تصمیمات سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ مبنی بر عدم آغاز تحقیقات و شکایت های مربوط به مقامات ارشد آمریکایی به اتهام سوء استفاده از بازداشت شدگان در خلیج گوانتانامو، کوبا و ابوغریب در عراق و درگیری های خاورمیانه، آزار و شکنجه پزشکان فالون گونگ در چین و سایر موارد نقض حقوق بشر که توسط دادستان رد شده است، نشان می دهد که ملاحظات سیاسی چگونه می توانند بر اختیار دادستان ها در این کشور تأثیر بگذارند.^{۳۳} اما اخیراً در پی شکایت پناهجویان سوری علیه «انور رسلان» یکی از نظامیان ارشد سابق در واحد اطلاعات ارتش سوریه به جرم ارتکاب جنایت علیه بشریت، دادگاه های آلمان او را مجرم شناخته، به حبس ابد محکوم نمود.^{۳۴}

هلند یکی دیگر از کشورهایی است که به جهانیان اعلام کرده است که در حال استفاده از قلمرو صلاحیت جهانی مطلق و پذیرش صلاحیت جهانی مشروط است. مقررات بین المللی مربوط به جرایم بین المللی و حقوق بین الملل بشردوستانه از ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳، در قانون جرایم بین المللی هلند^{۳۵} اصلاح شد.^{۳۶} یکی از دلایل اصلی تصویب این قانون، ایجاد دیوان کیفری بین المللی (ICC) از ۱ ژوئیه ۲۰۰۲ و به اجرا درآمدن مقررات مربوط به آن بود.^{۳۷} با این وجود برخلاف اساسنامه رم، ICA شکنجه و ناپدید شدن اجباری را هم به عنوان جرائم مشخص و هم به عنوان اقدامات تشکیل دهنده جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت تعریف می کند.^{۳۸} قانون جرایم بین المللی هلند صلاحیت جهانی مربوط به موارد خاص را که در آن به مقامات ملی اجازه می دهد این جرائم را تحت شرایط خاصی در هنگام ارتکاب توسط اتباع خارجی در خارج از کشور، مورد تحقیق و پیگرد قرار دهند، مجاز می داند. با این حال قانون مذکور تعهدی برای پیگرد قانونی این جرایم ایجاد نمی کند و تحقیقات به تشخیص دادستان ها انجام می شود.^{۳۹} دانمارک نیز تمایلی به پذیرش اصل صلاحیت جهانی مطلق ندارد. در مورد کیس ژنرال پینوشه، مدیر دادگاه های دانمارک در اجرای مقررات مربوط به کنوانسیون

^{۳۲} قانون کیفری آلمان مواد: ۷ (۲)، ۶ (۱)، ۶ (۹).

^{۳۳} Remarks of Claus Kreß "Human Rights Watch interview with German lawyer", March 14, 2014, (German Parliament, Committee for Human Rights and Humanitarian Aid Meeting, October 24, 2007).

^{۳۴} علی خالقی، (۱۴۰۰)، Updated on: 28.01.2022. khaleghi.law.ut.

^{۳۵} Wet Internationale Misdriften – ICA.

^{۳۶} The ICA also extends to the special municipalities of Bonaire, Sint Eustatius and Saba (the Caribbean Netherlands or BES islands), see Article 16a ICA.

^{۳۷} Dutch Parliament, Explanatory Memorandum -Amendment International Crimes Act, 32 47528 337, no. 3, page 1.

^{۳۸} ICA, sections 8 and 8a. The ICA was amended on October 27, 2010 to criminalize enforced disappearance.

^{۳۹} Van Sliedregt, Elies, "International Crimes before Dutch Courts:Recent Developments", *Leiden Journal of International Law* 4 (2007): 895–908.

نسل کشی این کشور و در راستای قانون کیفری هلند، حکم دادند که، از پیگرد ملی جرایم نسل کشی در کشور دیگری که قربانیان فاقد تابعیت هلندی و دانمارکی هستند، جلوگیری می کند. در سوئد اصل سرزمینی یک اصل اساسی است و قوانین این کشور صلاحیت جهانی مطلق را برای طیف وسیعی از جنایات مهم بین المللی مانند تروریسم، نسل کشی، جنایات علیه بشریت و غیره در نظر گرفته است. سوئد با پیشینه قانون جزائی ۱۹۶۲م و قانون صلاحیت جهانی ۲۰۱۴م و به اذعان حقوقدانان خود که سال هاست جنایتکاران بسیاری را در خود جای داده است، با رفتاری پوپولیستی، دوگانه و کاملاً سیاسی به محاکمه یک تبعه ایرانی به نام حمید نوری می پردازد. محاکمه ای که تاکنون بیش از ۵۰ جلسه از دادگاه آن می گذرد و علاوه بر نقض متعدد حقوق فردی، اجتماعی و بشری متهم، بدون هیچ مدرک کتبی و یا شفاهی مستند و متقنی تنها بر شهادت شهودی صحنه می گذارد که هویت و عملکرد پر از جنایتشان در طول سال ها بر مردم ایران و جهان پوشیده نیست. این تفاوت عمیق در رویه قضایی کشورهای اروپایی با نظام های حقوقی قدرتمند و تأثیرگذار واکنش بسیاری از مردم، فعالان و سازمان های بین المللی دفاع از حقوق بشر را برانگیخته است.

در ایران نیز مواد پنج تا نه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مباحث صلاحیت سرزمینی و صلاحیت جهانی فراسرزمینی می پردازد و به طور خاص مواد هشت و نه قانون این صلاحیت شکلی دادگاه های ایران برای رسیدگی به جنایات بین المللی را صالح می داند. با تصویب برخی معاهدات بین المللی نیز امکان اعمال صلاحیت جهانی در خصوص جرایمی مانند تبعیض نژادی، قاچاق مواد مخدر، گروگان گیری، برده فروشی، دزدی دریایی، اعمال تروریستی در هواپیما و علیه اشخاص تحت حمایت بین المللی، اعمال و اقدامات تروریستی رژیم صهیونیستی و نیروهای نظامی آمریکا، در محاکم ملی ایران وجود خواهد داشت.^{۴۰} همچنین تلاش هایی در جهت تدوین و تصویب قوانین خاص مانند «رسیدگی به جرائم بین المللی» و «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرایم بین المللی» صورت گرفت که اگرچه لوایح مذکور با تمام نواقص و اشکالات گامی مثبت در زمینه صلاحیت جهانی است اما به نتیجه نرسید و تا به امروز مسکوت مانده اند.^{۴۱} بنابراین به طور طبیعی جمهوری اسلامی ایران نیز در این زمینه از ابتدا تا به امروز تنها به تصویب قوانینی انگشت شمار و بسیار کلی اکتفا نموده است.

^{۴۰} سیدیا سر ضیایی، سعید حکیمی ها، «صلاحیت جهانی در جرایم جنگی از منظر حقوق ایران»، *آفاق امنیت* ۲۱ (۱۳۹۲): ۱۵۶.

^{۴۱} اظهارات الهیار ملک شاهی رئیس کمیسیون حقوقی قضایی مجلس شورای اسلامی در دوره نهم، (۱۳۹۲)

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1392/04/11/89700>

بررسی قوانین صلاحیت جهانی در کشورهای دنیا نشان می دهد که این قوانین از دهه ۹۰ میلادی تا به امروز دستخوش تغییرات عمده ای قرار گرفته و با کندی در حال رشد است. طبیعتاً این روند کاهش اجرای صلاحیت جهانی دلایلی دارد. اولین دلیل؛ ایجاد موانع حقوقی و سیاسی در راه اجرای قوانین صلاحیت جهانی و سپس تغییر نگاه، رویکرد و دیدگاه کشورهای دنیا به مقوله صلاحیت جهانی است. نمونه بارز این تغییرات کشور بلژیک است. با افزایش تعداد پرونده هایی که در اجرای قوانین صلاحیت جهانی در دادگستری بلژیک تشکیل شدند، موانع حقوقی و مشکلات سیاسی چندی بر سر راه اجرای کامل مقررات این قوانین پدید آمد که قانونگذار بلژیکی را بر آن داشت که با تجدیدنظرهای پیاپی در قوانین مورد نظر، صلاحیت جهانی دادگاه های بلژیک را محدود و سرانجام حذف نماید.^{۴۲}

دلیل دوم؛ اصل حاکمیت ملی و اراده دولت ها و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر است. نگرش و مشی سیاسی دولت ها همچون جنبش های پوپولیستی و ناسیونالیستی باعث گردید که کشورها با تغییر یا تصویب محدود قوانین صلاحیت جهانی، به اجرای ظاهری این اصل بنا به رویکرد و سلیقه خود پردازند و همچنین از حاکمیت ملی خود دفاع نمایند. همین امر باعث شد تا بیشتر کشورهای دنیا در قوانین خود از صلاحیت جهانی مطلق به سمت صلاحیت جهانی مشروط و حتا سرزمینی تنزل کنند. دلیل سوم؛ که نشأت گرفته از دو دلیل بالاست، اجماع جهانی مبنی بر ایجاد نهادی مستقل برای مبارزه با جنایات بین المللی است. ایجاد و تصویب دیوان بین المللی کیفری در پایان دهه ۹۰ و ابتدای ۲۰۰۰ میلادی این شائبه را ایجاد کرد که با وجود دیوان بین المللی کیفری و تفویض اختیار به آن در مبارزه با جنایات خاص بین المللی، دیگر نیازی به وجود و اجرای صلاحیت جهانی برای تک تک دولت ها نیست. بنابراین تأسیس دیوان کیفری بین المللی از یک سو جنبش ها و دیدگاه های پوپولیستی و عوامفریبانه دولت ها را تقویت کرد تا به ظاهر عمل کنند و از سوی دیگر نور آمیدی در سرزمین عدالت خواهان روشن کرد تا اصل صلاحیت جهانی اجرا شود.

۳- پوپولیسم؛ تعریف و مفهوم

مفهوم پوپولیسم در معنای کم و بیش «مترقی» یا «عامی» آن، عمدتاً پدیده ای آمریکایی (شمال، مرکز و جنوب آمریکا) است. در اروپا، به تلقی تاریخی متفاوتی از پوپولیسم بر می خوریم. در آنجا پوپولیسم، عمدتاً در نظر مفسران لیبرال و تحت تأثیر ایشان با سیاست های غیر مسئولانه یا گونه

^{۴۲} پیشین، ص ۱۳۳.

های مختلف فریب سیاسی همراه است. در حقیقت «عوام‌فریبی» و «پوپولیسم» اغلب در جای هم به کار می‌روند، که مراد و منظور ما نیز همین شکل و مفهوم عام از پوپولیسم است.^{۴۳} واژه پوپولیسم می‌تواند جنبش‌های دموکراتیک یا اقتدارگرا را مشخص کند. پوپولیسم به طور معمول نسبت به نمایندگی سیاسی و هر چیزی که بین روابط مردم و رهبر یا دولت‌ها باشد، انتقاد دارد. پوپولیسم در دموکراتیک‌ترین شکل خود به دنبال دفاع از منافع و به حداکثر رساندن قدرت شهروندان عادی از طریق اصلاحات و نه انقلاب است. بنابراین سیاست پوپولیستی، با پیروی از این تعریف، حول یک رهبر کاریزماتیک می‌چرخد که برای تحکیم قدرت خود متکی بر اراده مردم و مدعی انسجام آن است. در این شکل شخصی از سیاست، احزاب سیاسی اهمیت خود را از دست می‌دهند و انتخابات به جای تأیید وفاداری‌های مختلف مردم، اعتبار رهبر را تأیید می‌کند.^{۴۴}

پیش از این، در اواخر دهه ۱۹۶۰، بحث «پوپولیسم» در بحث و جدل‌ها درباره استعمارزدایی، حدس و گمان‌ها پیرامون آینده «رعیت‌باوری»^{۴۵} و، هرچند در نظر ما قرن بیست و یکمی‌ها عجیب می‌نماید، در بحث‌های مربوط به ریشه‌ها و تحولات محتمل کمونیسم در معنای عام و مائویسم در معنای خاص، به میان می‌آمد. امروزه، خاصه در اروپا، انواع مختلفی از بیم‌ها - و گاه امیدها - پیرامون واژه پوپولیسم سر بر می‌آورند و مطرح می‌شوند، خلاصه اینکه، در یک سو، لیبرال‌ها ظاهراً نگران این هستند که به زعمشان توده‌های روز به روز لیبرال‌تر فریب بخورند و در دام پوپولیسم، ناسیونالیسم و حتی بیگانه‌هراسی تمام‌عیار بیفتند؛ و در سوی دیگر، نظریه پردازان دموکراسی دغدغه ظهور چیزی را دارند که آن را «تکنوکراسی لیبرال» می‌خوانند؛ یعنی «حکمرانی مسئولانه» گروهی برگزیده از متخصصان که آگاهانه پاسخ‌گوی مطالبات شهروندان عادی نیستند.^{۴۶} لذا پوپولیسم شاید همان چیزی باشد که کاس موده، جامعه‌شناس هلندی، آن را «واکنش دموکراتیک غیرلیبرال به لیبرالیسم غیر دموکراتیک» خوانده است. در این معنا پوپولیسم هم تهدید است و هم یک عامل اصلاح‌گر بالقوه برای سیاستی که به هر روی زیاده از «مردم» دور افتاده است.^{۴۷}

۴- پوپولیسم دولتی و صلاحیت جهانی

⁴³ Ralf Dahrendorf, "Eight Notes on Populism in Transit: European Review", *Institute for Human Sciences in Vienna* 25 (2003):156.

⁴⁴ "Populism political program or movement", 2013, <https://www.britannica.com/topic/populism>.

⁴⁵ Peasantism.

⁴⁶ Peter Mair, *Ruling the Void: The Hollifying of Western Democracy* (New York: Verso, 2014), 99.

⁴⁷ Cas Mudde & Cristóbal Rovira Kaltwasser, *Populism: A Very Short Introduction* (, Published Oxford, London, 2017), 127.

بنابراین می بینیم که از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد کشورهای جهان در زمینه اصل صلاحیت جهانی با فراز و فرودی ملموس و چشمگیر مواجهه هستند و در این میان بیش از هرکس یا هرچیزی، این حقوق بشر است که دستخوش تأثیر و ضرر شده است. چرا که تفکرات پوپولیستی اگرچه به ظاهر موافق حقوق بشر است اما در باطن و عمل به مخالفت با آن قدم بر می دارد. ویژگی اصلی عصر جدید اقتدارگرایی (استبدادی) پوپولیستی، بی اعتنایی به قراردادهای اجتماعی است. ارزشی که احترام به هنجارهای حقوق بشر مدتهاست به شدت به آن وابسته است.^{۴۸} وقتی با افزایش پوپولیسم مواجه می شویم، بکارگیری از یک شبکه و نقش بازیگران دولتی (کشورها و جامعه جهانی) در کاربرد ایده آل صلاحیت جهانی، مفید است. مخصوصاً که استفاده از این شبکه عدالتخواه بالقوه در استفاده گسترده از صلاحیت جهانی نه تنها سایه ای بر برنامه های اصلی سیاسی پوپولیست ها در دولت ها ایجاد می کند، بلکه جنبه خطرناک استفاده از آن را نیز ارتقا می بخشد، که این واقعیت و اصل در رویکرد پوپولیستی رو به رشد به یک نقص و ایراد تبدیل می شود.^{۴۹} به طور کلی آنچه به نظر می رسد، در پوپولیسم صرف نظر از اینکه در کدام مکان از کدام ایدئولوژی پیروی می کند، این چالش را که هر کس قوانین را از طریق نمایندگی سیاسی اجرا کند، سیستم نمایندگی را به خودی خود رد نمی کند، بلکه افراد حاکم را رد می کند و بنابراین ادعا می کند که نماینده واقعی مردم، خودشان هستند و نمایندگی از طرف مردم نامشروع است. در مجموع افزایش پوپولیسم، نوعی که اکنون بیش از همه حضور دارد و بیش از همه بر جو بین المللی تأثیر می گذارد، به عنوان «پوپولیسم ناسیونالیستی» یا «پوپولیسم ملی گرا» توصیف شده است، که در شرایط سیاسی کنونی - به طور گسترده ای با نگرش های سیاسی راست گرایانه یا فاشیستی برابر شده است.^{۵۰}

چنین طرز فکر ملی گرایی (ناسیونالیستی) الگویی را نشان داده است؛ در طی سال های گذشته چندین ویژگی کلیدی متناقض با مفاهیم اساسی مختلف اصول کلی حقوقی وجود دارد که آن را تابع این نظریه می کند: «آنچه [پوپولیست ها] با آن مخالف هستند این است: ماهیت نمایندگی دموکراسی های مدرن، حمایت از حقوق اقلیت ها و محدودیت های حاکمیت مردم، که از ویژگی های بارز جهانی شدن است.»^{۵۱} پیوند این ویژگی ها بر این فرض استوار است که؛ در واقع پوپولیسم

⁴⁸ Philip Alston, "The Populist Challenge to Human Rights", *Journal of Human Rights Practice* 9 (2017):4.

⁴⁹ Stephen Macedo, *Universal Jurisdiction: National Courts and the Prosecution of Serious Crimes Under International Law* (University of Pennsylvania Press: USA, 2006), 3.

⁵⁰ Hugh Gusterson, "From Brexit to Trump: Anthropology and the Rise of Nationalist Populism", *American Ethnologist* 44 (2017): 209.

⁵¹ "The Populist Moment", Eurozine, 2017, <https://www.eurozine.com/the-populist-moment/?pdf>, p. 2.

ناسیونالیستی بر رژیم حقوق بین الملل و در نتیجه - به دنبال زنجیره علی ایجاد شده - بر رژیم حقوق بشر، دادرسی های بین المللی به نام حقوق بشر، و در نتیجه اعمال صلاحیت جهانی، تأثیر می گذارد. به همین دلیل، این مفهوم که صلاحیت جهانی پوپولیسم را تهدید می کند، همزمان با تحولی است که نشان می دهد جنبش پوپولیستی از سطح ملی فراتر رفته و به حوزه دیگری نفوذ کرده است و در سال های اخیر است که برنامه های پوپولیستی به گونه ای بر دولت های ملی تأثیر گذاشت که توانسته سیاست خارجی این دولت ها را تحت الشعاع قرار دهد و بر آن ها اثر بگذارد.^{۵۲}

بنابراین اینجا نوبت به چیزی می رسد که می توان آن را پوپولیسم بین المللی نامید که قوه محرک این پژوهش است و سؤالاتی از این دست را به ذهن متبادر می نماید که چگونه ممکن است احزاب پوپولیستی ملی - که اغلب حتی احزاب حاکم نیستند - به چنان نفوذی برسند که حتی سیاست خارجی را نیز برنامه های پوپولیستی ناسیونالیستی تعیین کنند؟ برای توضیح چنین روندی، باید عمیق تر به آنچه در پس مفهوم پوپولیسم است - نه به تأثیرات آن، بلکه به علل آن و همچنین محل هایی که این دلایل در آنها نشان داده شده است - نگاه کرد. و در کجا این علائم مختلف - اغلب باعث ایجاد پوپولیسم موفق می شود - متبلور شده اند. به اجمال می توان گفت اولین دلیلی که معمولاً به عنوان ریشه پدید آمدن پوپولیسم و پیامدهای مرتبط با آن شناخته می شود، جهانی شدن است. دومین دلیل اصلی فراهم آمدن زمینه های رشد پوپولیسم چیزی است که «رزا بالفور» آن را "بحران دموکراسی های پیشرفته" می نامد یا همان طور که «جان ورنر مولر» "شکست فعلی نمایندگی" نامیده است. بعلاوه که در جاهای دیگر نیز به عنوان عنصر اساسی در رشد پوپولیسم شناخته شده است.^{۵۳} با تکرار ماهیت نگرش پوپولیستی ناسیونالیستی قرن بیست و یکم، می توان دو ویژگی در جهت تأثیر پوپولیسم بر صلاحیت جهانی مشاهده کرد: اول مخالفت با حمایت از اقلیت ها، و دوم رد محدودیت های حاکمیت مردم به عنوان واکنش غیر مستقیم در برابر جهانی شدن.^{۵۴} در حقیقت نفوذ چنین تفکراتی باعث شد تا اصول کلی حقوقی به شکلی روبنایی، ظاهری و عوام فریب در سطح جوامع و حتی سیاست خارجی دولت ها پدیدار گردد و صلاحیت جهانی را دستخوش اضمحلال نماید.

۵- پوپولیسم و استقلال قضایی دولت ها

⁵² Rosa Balfour, "The (Resistable) Rise of Populism in Europe and its Impact on European and International Cooperation", *Imed Mediterranean Yearbook* (2017): 59.

⁵³ Jan-Werner Müller, *What Is Populism?*, Penguin Books Ltd, Kindle Edition (USA: University of Pennsylvania Press, 2017), 103.

⁵⁴ "The Populist Moment", Eurozine, 2017, available at: <https://www.eurozine.com/the-populist-moment/?pdf>.

در سه دهه اخیر، علمای حقوق و سیاست به موضوع قضایی شدن سیاست مشغول بوده اند. آنها استدلال کرده اند که حوزه تصمیمات سیاسی قانونگذاران به طور قابل توجهی توسط دادگاه ها به ویژه دادگاه هایی که قدرت بررسی قضایی قوانین را دارند (مانند دادگاه های قانون اساسی) محدود شده است.⁵⁵ در نتیجه، از «گسترش جهانی قدرت قضایی»، «حاکمیت یا حکومت داری قضات» و ظهور «فقه سالاری» (قانون سالاری) صحبت کرده اند.⁵⁶ روندی که به انزوا و محو پوپولیست می انجامد. با این حال، ظهور اخیر پوپولیسم اقتدارگرا، پویایی دیالکتیکی جدیدی را برای سیستم قضایی به ارمغان آورده است. قانون اساسی، ابزاری کلیدی اما نادیده گرفته شده سیاست های پوپولیستی است.⁵⁷ حاکمان پوپولیست با حمایت از ایدئولوژی گرایش های تکنوکراتیک خشمگین و به دنبال اجرای اراده بدون واسطه مردم، که ظاهراً اراده مردم واقعی را محدود کرده است، دادگاه های قانون اساسی را هدف قرار داده اند.

از این رو زیربنای ایدئولوژیک پوپولیسم نشان می دهد که پوپولیست ها باید به دنبال قضایی زدایی باشند. اگرچه رابطه بین حکومت پوپولیستی (اقتدارگرا) و قضایی سازی بسیار پیچیده تر است. با این حال، تحلیل برخی ساختارهای قضایی اخیر در محدودیت کنترل و تعادل مانند کشورهای اروپای شرقی و مرکزی، تجربه متفاوتی را نشان می دهد.⁵⁸ پوپولیست ها بسته به دامنه قدرت سیاسی و تحولات در طول زمان، با هدف قضایی زدایی از سیاست یا سیاسی کردن شدید دادگاه های قانون اساسی برای تحکیم نهاد پوپولیستی، به ترکیبی از تکنیک ها که مؤلفه های مختلف قدرت قضایی را هدف قرار می دهد، متوسل می شوند.⁵⁹

درست است که اساس پوپولیسم از آمریکا و غرب آغاز شده است، اما ساده انگارانه است که فکر کنیم پوپولیسم و تفکراتش در آسیا و حتی کشورهای اسلامی وجود ندارد. یکی از اهداف دادگاه های

⁵⁵ Christoph Hönnige, "Beyond Judicialization: Why We Need More Comparative Research about Constitutional Courts", *European Political Science* 3 (2011): 346.

⁵⁶ Neil Tate and Torbjörn Vallinder, *The Global Expansion of Judicial Power* (New York : New York University Press, 1995), 3.

⁵⁷ Paul Blokker, "Populism as a constitutional project", *Oxford University Press and New York University School of Law* 2 (2019): 535.

⁵⁸ قضاوت زدایی فرآیندی است که هدف آن جلوگیری از بازنگری یک سیاست و مداخله در مسائل سیاسی است که قبلاً قضایی شده اند.

Jan Petrov, "(De-)judicialization of politics in the era of populism: lessons from Central and Eastern Europe", *The International Journal of Human Rights* (2021): 2, Accessed 11 May 2021, doi.org/10.1080/13642987.2021.1931138.

⁵⁹ David Kosař, Jiří Baroš, and Pavel Dufek, "The Twin Challenges to Separation of Powers in Central Europe: Technocratic Governance and Populism", *European Constitutional Law Review*, 3 (2019): 429.

قانون اساسی حفاظت و صیانت از قوانین و آراء قضایی و همچنین دسترسی مطلوب به حفظ حقوق بشر و عامه مردم است و بر این اساس، تنها استراتژی پوپولیست‌ها منزوی کردن و به حاشیه راندن دادگاه‌های قانون اساسی نبوده، بلکه به دنبال رام و خنثی کردن این دادگاه‌ها برای دستیابی به اهداف خود هستند. بنابراین در ظاهر به نمایندگی مستقیم مردم و صدای آنها و با ادعای غلبه بر محدودیت‌های مهم حاکمیت مردم، به دنبال محدودیت هنجارها، استقلال قضایی و ماهیت نظام بسته قضایی و غلبه بر حاکمیت قانون است. حمله به دادگاه‌های عالی و قانون اساسی اطلاعات زیادی را در مورد منطق پوپولیسم نشان می‌دهد. از دیدگاه دموکراتیک، دادگاه‌های عالی از تفکیک و تقسیم قوا یعنی عدم انحصار، محافظت می‌کنند.⁶⁰ دادگاه‌ها معمولاً زمانی قربانی پوپولیسم می‌شوند که هم اداره دادگاه و هم تفسیر قضایی و قانون اساسی تحت تأثیر سیاستمدارانی هستند که علیه استقلال قوه قضائیه کار می‌کنند. با این حال، پوپولیسم قضایی نیز به عنوان بخشی از روح زمانه⁶¹ یا طرز فکر مشاهده می‌شود. این بدان معناست که ممکن است دادگاه‌ها تصمیمات خود را برای نشان دادن همدلی با مردم یا سیاست‌های پوپولیستی، تغییر دهند. پوپولیست‌ها با القا بر یک جنبه گرای درون حاکمیت به دنبال عدم استقلال قضایی و یک دست شدن عوامفریبی هستند و از این رهگذر تأثیراتی عمیق بر انزوای دولت‌ها و حکومت‌ها در عرصه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل می‌گذارند. این باعث می‌شود کشورها علاوه بر عدم استقلال قضایی و حقوقی در درون کشور، به دنبال عدم عضویت در نهادها و معاهدات حقوقی بین‌المللی حاوی عدالت و اصل صلاحیت جهانی مانند دیوان کیفری بین‌المللی باشند. از همین روست که تفکر پوپولیستی با رخنه در درون قوای حاکم بخصوص قوه قضائیه و نهادهای قانونگذار مانند شوراهای توسعه قضایی، کمیسیون‌های قضایی، کمیته‌های انتصاب قضات و دادگاه‌های رسیدگی به تخلفات قضات، سعی در تغییر و انحراف تصمیمات حقوقی و به دنبال آن اجرای عدالت و بخصوص ارتقای آن با نسخه‌هایی مانند صلاحیت جهانی می‌شود. به همین دلیل است که اصل صلاحیت جهانی در قوانین بسیاری از کشورها گنجانده نشده و یا قانون مدون و کاملی وجود ندارد تا دادگاه‌های خود را در رسیدگی به جنایات بین‌المللی صالح بدانند و ما و

⁶⁰ Andrew Arato, "Populism, Constitutional Courts, and Civil Society", Cambridge University Press (2019): 12, Accessed November-December 2018, DOI: 10.1017/9781108348669.016.

⁶¹ The populist Zeitgeist

ترجمه واژه‌ای است فلسفی از زبان آلمانی که خود برگرفته از زبان لاتین (به لاتین *genius saeculi*) است. این عبارت آلمانی از طریق زبان انگلیسی تقریباً به همه زبان‌های دنیا راه باز کرده و بدون تبدیل به زبان بومی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. روح زمانه روش و نوع تفکر و احساسات یک مقطع زمانی یا به عبارت دیگر دوران خاصی را تشریح یا توجیه می‌کند.

شاهد رشد و توسعه بسیار ناچیز این اصل هستیم. تغییر رویکرد درونی کشورهای اروپایی مانند بلژیک، اسپانیا و انگلیس نسبت به اعمال قوانین مرتبط با اصل صلاحیت جهانی در دهه ۹۰ م و تغییر آن از صلاحیت جهانی مطلق به نسخه ضعیف تر آن یعنی صلاحیت جهانی مشروط، دلیل بر این مدعاست. در ایران نیز درست است که صلاحیت جهانی مشروط به موجب بند «و» ماده ۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ شمسی پذیرفته شد و پس از آن نیز در سال های ۱۳۶۱، ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ تثبیت یافت تداوم پیدا کرد، اما فقط به شکل یک ماده قانون باقی ماند و توسعه پیدا نکرد. اگرچه در سال های ۹۱ و ۹۲ برخی قوانین خاص مانند «لایحه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» و «قانون مجازات و نحوه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» در قالب لایحه تدوین و به مجلس روانه شد، اما تاکنون مسکوت مانده است.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تحولاتی را ایجاد کرده است. تحول اول ناظر به رفع محدودیت و صلاحیت دادگاه ها و دعای ایران برای رسیدگی به جرایم موضوع اصل صلاحیت واقعی (جهانی) است. در حال حاضر دادگاه ها و مراجع قضایی نمی توانند به جرایم موضوع اصل صلاحیت واقعی (جهانی) با آن همه اهمیت، رسیدگی غیابی کنند؛ در حالی که پس از لازم الاجرا شدن این مصوبه دچار چنین محدودیتی نیستند. در واقع مقنن با این تحول، ایراد مهم وارده به ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ را برطرف کرده است و آن اینکه دیگر اعمال صلاحیت قوانین و دادگاه های ایران را منوط به این که مرتکب «در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد»، نمی داند. این تحول همانطور که اشاره شد منطبق بر مبانی اصل صلاحیت واقعی و همگام با قوانین کیفری کشورهای دیگر است. برای شمول این ماده و همچنین مواد ۶ تا ۹ ق.م.ا، جرم ارتكابی باید در خارج از ایران اتفاق افتاده باشد. زیرا اگر جرم (یا حتی بخشی از جرم یا نتیجه جرم) در ایران به وقوع پیوسته باشد، صرف نظر از این که جرم ارتكابی چیست یا مرتکب و بزه دیده چه کسی است، شامل مواد ۳ و ۴ (اصل صلاحیت سرزمینی) است و دیگر نمی توان جرم ارتكابی را در زمره دیگر صلاحیت ها دانست.^{۶۲}

تحول دوم آن است که مقنن در راستای توجه به قواعد عدالت و انصاف، قاعده احتساب مجازات های اعمال شده بر متهم در دادگاه های کشورهای خارجی را به خاطر اعمال مجرمانه ارتكابی اش، در قلمرو مجازات های تعزیری پذیرفته است. مقنن هرچند به درستی قاعده منع محاکمه مجدد را

^{۶۲} حسن پوربافرانی، «تحول اصل صلاحیت واقعی در لایحه جدید مجازات اسلامی با نگاهی تطبیقی»، فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه های حقوقی ۵۸ (۱۳۹۱): ۸۶.

بسان اغلب کشورهای دیگر در مورد اصل صلاحیت واقعی نپذیرفته است، اما با پذیرش قاعده احتساب مجازات ها، محاکمه قبلی متهم را هم یک سره انکار و رد نکرده است. هرچند با توجه به عدم اهمیت تعقیب، محاکمه و مجازات برخی از جرایم موضوع این ماده برای دادگاه های کشورهای دیگر، احتمالاً موارد چندانی برای اعمال این بخش از ماده رخ نمی دهد، اما درج آن در ماده که نشان از دغدغه مقنن در جهت رعایت حال متهم و پرهیز از ظلم و اجحاف به اوست و همزمان توجه او به ملاحظات حقوق بشری را هم نشان می دهد، اقدامی مثبت و پسندیده بشمار می آید. در حقیقت در این ماده، برخلاف مواد ۷ و ۸ ق.م.ا، محاکمه شدن متهم یا حتی مجازات وی در کشور دیگر، مانع محاکمه و مجازات در دادگاه های ایران نیست فقط در صورتی که جرم ارتكابی، جرم تعزیری باشد (نه جرم موجب حد، قصاص یا دیه) و متهم در خارج از کشور مجازات شده باشد، دادگاه در مورد مجازات تعزیری، میزان محکومیت وی یعنی میزانی که محکوم در خارج از کشور مجازات شده است را از میزان مجازات وی کسر می کند، به این امر قاعده احتساب می گویند. تحول سوم آن است که از جهت منافع مورد حمایت، مقنن در این لایحه، بند ۴ یعنی «جعل آرا مراجع قضائی یا اجراییه های صادر شده از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها» را به جمع منافع مورد حمایت اضافه کرده است. این تحول هم اقدامی مفید به شمار می آید. بخصوص که دولت ایران در سال های اخیر موافقت نامه های متعدد معاضدت قضایی، انتقال محکومین به حبس و نیابت قضایی با کشورهای دیگر امضاء کرده است و احتمال جعل آرای مراجع قضایی در خارج از کشور وجود دارد. همچنین در بند ۳ این ماده «جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی... رئیس و اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام» را هم اضافه کرده است. به طور کلی از توجه به منافع مورد حمایت در این ماده هم ملاحظه می شود که کماکان امنیت و آسایش عمومی مورد حمایت قرار گرفته و جرایم علیه امنیت و نیز جرایم مهم علیه آسایش عمومی که عمدتاً ذیل جرم جعل و قلب سکه قرار می گیرند، جرایم موضوع اصل صلاحیت واقعی را تشکیل می دهند.^{۶۳}

مهمترین مصادیق بند ۱ (اقدام علیه امنیت داخلی یا خارجی) ماده ۵ و مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ ق.م.ا،

همانند؛

* تشکیل یا اداره دسته یا جمعیت برای برهم زدن امنیت کشور. (۴۹۸)

* عضویت در دسته یا جمعیتی که با هدف برهم زدن امنیت کشور تشکیل شده است. (۴۹۹)

* فعالیت تبلیغی به نفع گروه ها و سازمان های مخالف نظام. (۵۰۰)

*ارتکاب جرایم جاسوسی به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران. (۵۰۲) در توضیح این ماده باید بیان داشت که اگر رفتار موضوع این ماده در خارج از کشور اتفاق بیفتد، دادگاه ها و دعوای ایران صالح به رسیدگی نخواهند بود. به دلیل این که تحقق این جرم منوط به رفتار مرتکب و متهم در ایران است و اگر ارتکاب عمل به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در خارج از ایران اتفاق بیفتد، اساساً جرمی اتفاق نیفتاده و چون جرمی اتفاق نیفتاده قانوناً دادگاه ایران صلاحیت رسیدگی ندارند.^{۶۴} همچنین عدم عضویت ایران در نهادهایی مانند دیوان کیفری بین المللی، گروه ویژه اقدام مالی، وجود تفکرات پوپولیستی در درون حاکمیت و عدم استقلال قضایی در قوه قضائیه را تقویت می نماید.

۶- پوپولیسم و حقوق کیفری بین المللی

پوپولیسم توسط دبیر کل سازمان ملل متحد، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و دبیرکل شورای اروپا برای حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون به عنوان یک چالش جدی شناخته می شود.^{۶۵} در حال حاضر، حقوق کیفری بین المللی با انتقادات شدیدی مواجه است، به ویژه با ظهور پوپولیسم به عنوان حاکمیت موفق برای تضعیف قوانین بین المللی. نمود بارز آن رئیس جمهور سابق آمریکا است که فاتو بنسودا، دادستان دیوان کیفری بین المللی را به دلیل تحقیق در مورد بروز جنایات جنگی توسط نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۸ در افغانستان، در لیست سیاه قرار داد.^{۶۶} پوپولیست ها به دنبال یک جانبه گرایی بوده و در تضاد با چندجانبه گرایی قدم بر می دارند، به همین جهت شاهد خروج حکومت های پوپولیستی از تعهدات، نهادها، سازمان ها و معاهدات بین المللی هستیم.

افغانستان و ایالات متحده، برخی از رهبران پوپولیست اروپایی و سایر کشورها، از نهادهای بین المللی انتقاد می کنند و از نفی و رد برخی هنجارها و معاهدات بین المللی مربوط به تجارت، امنیت، تغییرات آب و هوایی و قوانین جنگ حمایت می کنند. همچنین رهبران پوپولیست برخی از کشورهایمانند ایالات متحده، اروپایی ها و سایر کشورها، از نهادهای بین المللی انتقاد می کنند و از نفی و رد برخی هنجارها و معاهدات بین المللی مربوط به تجارت، امنیت، تغییرات آب و هوایی و

^{۶۴} غفوری، احمد، شرح آزمون قانون مجازات اسلامی (تهران: انتشارات آریاداد، چاپ سی و یکم، ۱۳۹۸)، ۳۳.

^{۶۵} Heike Krieger, "Populist Governments and International Law", *The European Journal of International Law*, 3 (2019): 972.

^{۶۶} <https://www.theguardian.com/law/2020/sep/03/us-sanctions-on-icc-prosecutor-unacceptable-says-eu>.

قوانین جنگ حمایت می‌کنند.^{۶۷} دولت‌های پوپولیستی به طور مداوم با عناصر حقوق بین‌الملل که بر ساختارهای چندجانبه نهادهای بین‌المللی و مفهوم جامعه حقوقی بین‌المللی مبتنی بر ارزش‌های مشترک مانند عدم مداخله یا صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی که منوط به رضایت دولت است، مخالف هستند.^{۶۸} در این زمینه به نظر می‌رسد نارضایتی کلی مردم از حقوق بین‌الملل نقش داشته است و اگرچه واقعاً نهادهای بین‌المللی پابرجا بوده و قوانین توسعه یافته است، اما روح قانون به شدت آسیب دیده است. عملکرد ضعیف دیوان کیفری بین‌المللی و خروج برخی از کشورهای عضو این معاهده نیز شاهدی بر این مدعا است. دلیل عمده آن این است که مردم حقوق بین‌الملل را مداخله خارجی در امور داخلی کشور خود می‌دانند و این عدم حمایت مردم همچنان در حال افزایش است و در واقع به صلاحیت جهانی آسیب رسانده است.

برخورد دوگانه و حاکمیت پوپولیستی برخی کشورهای اروپایی مانند آلمان، فرانسه و سوئد بر ضعف و اضمحلال صلاحیت جهانی افزود. آلمان با تصویب قانونی در سال ۲۰۰۲م، صلاحیت جهانی دادگاه‌های خود را برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی مهم اعلام کرد و به دنبال درگیری‌های سوریه در سال ۲۰۱۵م به یکی از کشورهای مورد هجوم پناهندگان سوری تبدیل شد.^{۶۹} در حالیکه آلمان در ژانویه ۲۰۲۲م آراء قاطعی درباره یکی از مأموران دولت سوریه به جرم ارتکاب جنایت علیه بشریت صادر می‌کند، دیوان عالی فرانسه پیش از آن با صدور حکمی صلاحیت دادگاه‌های این کشور را برای رسیدگی به این پرونده‌ها از اساس رد می‌کند. این رأی در حالی صادر شده است که دولت فرانسه از زمان شروع جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ همچون آلمان بر پیگرد جنایات جنگی و جرایم علیه بشریت در سوریه از سوی همه طرف‌های درگیر در این مخاصمه مسلحانه، تاکید می‌کنند. از طرفی کشور سوئد با پیشینه قانون جزائی ۱۹۶۲م و قانون صلاحیت جهانی ۲۰۱۴م و به اذعان حقوقدانان خود که سال‌هاست جنایتکاران بسیاری را در خود جای داده است، با رفتاری پوپولیستی، دوگانه و کاملاً سیاسی به محاکمه یک تبعه ایرانی به نام حمید نوری می‌پردازد. محاکمه ای که تاکنون بیش از ۵۰ جلسه از دادگاه آن می‌گذرد و علاوه بر نقض متعدد حقوق فردی، اجتماعی و بشری متهم، بدون هیچ مدرک کتبی و یا شفاهی مستند و متقنی تنها بر شهادت شهودی صحنه می‌گذارد که هویت و عملکرد پر از جنایتشان در طول سال‌ها بر مردم ایران و جهان پوشیده نیست.

⁶⁷ Barry E. Carter, Allen S. Weiner and Duncan B. Hollis, *International Law* (New York: Wolters Kluwer, 2018), 24.

⁶⁸ Ibidem: 979.

⁶⁹ علی خالقی، (۱۴۰۰)، Update:28.01.2022. khaleghi.law.ut.

حمید نوری تبعه ایرانی ۹ نوامبر ۲۰۱۹ به دنبال شکایت شهروند ایرانی-سوئدی و زندانی سیاسی سابق ایرج مصداقی و به دستور بخش جرایم سازمان یافته و بین المللی دادستانی سوئد در فرودگاه استکهلم دستگیر شد. بر اساس شهادت زندانیان سیاسی بازمانده از اعدام‌های گسترده تابستان ۱۳۶۷، او یکی از عاملان "مستقیم" این کشتار در زندان گوهردشت کرج بود. حمید نوری اکنون بیش از ۱۴ ماه است که در بازداشت پیش از محاکمه بسر می‌برد. اتهامات حمید نوری بعضاً در افکار عمومی و رسانه‌ها "جنایت علیه بشریت"، "نسل کشی"، "شکنجه" و حتی "جرم مستمر خودداری از تحویل جنازه‌ها" که در هیچ کشوری مدون نیست، گزارش شده است. این در حالی است که واحد ملی مبارزه با جنایات سازمان یافته دادستانی سوئد در نوامبر ۲۰۱۹ فهرست اتهامات منجر به بازداشت حمید نوری را «جرم علیه قوانین بین‌المللی، جنایت فاحش و قتل عمد» عنوان کرده است.^{۷۰} دادگاه‌های سوئد می‌توانند در شرایط خاص صلاحیت شخصیت فعال و منفعل و همچنین صلاحیت حمایتی را اعمال کنند. براساس بند یک از فصل (۲)، بخش (۲) و همچنین فصل نه قانون مجازات سوئد^{۷۱} به دلیل این که هیچ کدام از طرفین جنایت (مجرم و قربانی) در زمان وقوع جرم تبعه سوئد نبوده اند نمی‌توان به صلاحیت فعال و منفعل استناد کرد. همچنین صلاحیت حمایتی که شامل صلاحیت قضایی و در مورد جرایم ارتكابی علیه منافع خاص آن کشور مانند جعل پول رایج، خیانت و فتنه است (فصل ۲، بخش ۳ (۴))^{۷۲}، توجیه کننده جرایم انتسابی به فرد دستگیر شده (حمید نوری) نیست. بدون تردید بند (۳) بخش ۲ فصل ۳ قانون مجازات سوئد که عنوان می‌کند: «... جنایات ارتكابی خارج از قلمرو طبق قوانین سوئد و به وسیله دادگاه سوئد مورد قضاوت قرار خواهند گرفت: ... ملاک عمل دادگاه این کشور است.»^{۷۳}

⁷⁰ "Euronews", 4 May 2022, <https://per.euronews.com/2022/05/04/hamid-nouri-s-trial-ends-after-92-hearings-in-stockholm-the-initial-verdict-will-be-issued>.

⁷¹ This is the approach taken in the International Bar Association Legal Practice Division, Report of the Task Force on Extraterritorial Jurisdiction (October 2008) (IBA Report), p. 144: "The active personality principle, also known as the active nationality principle, permits a state to prosecute its nationals for crimes committed anywhere in the world, if, at the time of the offense, they were such nationals." For the scope of the active personality principle, see Amnesty International, Universal jurisdiction: The duty of states to enact and enforce legislation – Ch. One, AI Index: IOR 53/003/2001, September 2001, Sect. II.B.

⁷² فصل ۲، بخش ۳ (۴): «اگر جرم ارتكابی علیه ملت سوئد، یک مقام دولتی یا منتسب به آن یا علیه یک مؤسسه عمومی سوئد باشد.»

For the scope of protective jurisdiction, see Amnesty International, Universal jurisdiction (Ch. One), supra, n. 17, at Sect. II.D. For a somewhat more restrictive definition, see IBA Report, supra, n. 17, p. 149: "[T]he 'protective principle', ... recognizes a state's power to assert jurisdiction over a limited range of crimes committed by foreigners outside its territory, where the crime prejudices the state's vital interests".

⁷³ Alreem Kamal, Impunity in Syria & Universal Jurisdiction in Europe: Is a revival of the 'global enforcer' approach in order?, QMLJ, N0 2, 96 DOI: 10.26494/QMLJ3942, (2021), p 104.

بنابراین دادستان سوئد برای دستگیری، محاکمه و مجازات تبعه ایرانی براساس اصل صلاحیت جهانی، به مفاد قانون مجازات عمومی (۱۹۶۵) " و قانون مجازات نسل کشی " (۱۹۶۴) متوسل شده و مستندات خود را در سه بخش ذکر می کند:

۱- جرایم عادی که حداقل مجازات آنها چهار سال زندان است (فصل ۲ بخش ۳ بند ۷ قانون ۱۹۶۵)، مثل قتل عمد (فصل ۳ بخش ۱)، تجاوز جنسی (فصل ۶ بخش ۱ بند ۳)، آدم ربایی (فصل ۴ بخش ۱)، و تعرض شدید و جدی به اشخاص (فصل ۳ بخش ۶ بند ۲)

۲- جرم علیه قوانین بین‌المللی"، که در قانون سوئد معادل "جرایم جنگی" تعریف شده (فصل ۲۲ ماده ۶ قانون ۱۹۶۵)

۳- جرم نسل کشی (ماده قانونی ۱۹۶۴)

اما این ها فقط مستندات و مواد قانونی اتهام می باشد و تاکنون مدرک مستدل و متقنی اعم از اقرار، مکاتبات و مکتوبات، فیلم و تصاویر واقعی به دادگاه ارائه نشده است. تنها مدرک استنادی تاکنون شهادت عده ای از اعضا و خانواده های گروهک منافقین و وابستگان به آن هاست که علاوه بر عدم شفافیت در گفتار، به طور دقیق و مشخص به متهم و اعمال وی اشاره ندارد. به همین جهت لازم است شاهد، شرایط آن و تأثیر آن در اثبات دعوی در نظام حقوق کیفری سوئد بررسی شود. در عمل، صلاحیت جهانی باید همزمان با سایر اشکال صلاحیت نه تنها به نفع حمایت از حقوق بشر و کارایی فرآیند کیفری، بلکه به نفع آشتی ملی در کشور سرزمینی، اعمال شود. با این حال، چنین انعطاف‌پذیری نباید هدف تعهد را تضعیف کند یا اجازه مانور سیاسی در اعمال صلاحیت جهانی را که بیشتر به نقدهای موجود علیه این اصل کمک می‌کند، بدهد. در صورتی که در رسیدگی اخیر دادگاه سوئد در مورد تبعه ایرانی این اتفاق نیفتاد و علاوه بر عدم رعایت حقوق بشر و دادرسی منصفانه، اصل صلاحیت جهانی دستخوش بازی های سیاسی قرار گرفت. حال این تبعه ایرانی منتظر صدور رأی در ماه های آتی می باشد. این تفاوت عمیق در رویه قضایی کشورهای اروپایی با نظام های حقوقی قدرتمند و تأثیرگذار واکنش بسیاری از مردم، فعالان و سازمان های بین‌المللی دفاع از حقوق بشر را برانگیخته است.

تحلیل تاریخ نشان می دهد که شرایط حاکم و اراده سیاسی نقش مهمی در نتیجه نهایی دارد. دوره پس از جنگ جهانی اول به دلیل عدم اراده متفقین و همچنین عدم همکاری توده کشورهای شکست خورده، با ناکامی مواجه شد. پس از جنگ جهانی دوم، تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری، نصب قضات، تهیه پیش‌نویس منشور و نهادهای بین‌المللی مشابه، دستاوردهای زیادی را حاصل نمود و به توسعه اصول صلاحیت جهانی و حقوق کیفری بین‌المللی کمک کرد. با این حال، دادگاه

نورنبرگ با انتقادات زیادی مواجه شد، چرا که در آن عمدتاً کشورهای شکست خورده مورد هدف قرار گرفتند، و این انتقادات همچنان همه کسانی را که به حقوق بشر اعتقاد دارند آزار می‌دهد. حتی پس از ایجاد دادگاه های کیفری بین المللی برای رواندا (ICTR)، یوگسلاوی سابق (ICTY) و دیوان کیفری بین المللی (ICC)، سران کشورهایی که محاکمه شده و می شوند، در نگاه هموطنان خود به عنوان قربانی هستند، نه متهمانی که مرتکب جنایات شده اند.^{۷۴} که این نشان از ناراضی مردم از حقوق کیفری بین المللی و بخصوص اجرای صلاحیت جهانی دارد. دامنه این ناراضی و تصورات آنجایی گسترده و رو به رشد گردید و اوضاع را بدتر کرده است که کشورهای قدرتمندی مانند ایالات متحده به جنگ و جنایات جنگی ادامه می دهند و مسئول اقدامات خود نیستند و پس از آن نیز سربازان خود را عفو می کنند.

با این حال، تجربه دیوان های کیفری بین المللی و محاکمه جنایت کاران جنگی دستاوردهای قابل توجهی را حاصل کرد و اصل صلاحیت جهانی با پرداختن به موضوع موقعیت جغرافیایی برای انتخاب محل محاکمه جنایتکاران، صرف نظر از صلاحیت داخلی کشورها، مورد حمایت قرار گرفت. دوره ای که شاهد اقدام مشترک جامعه بین المللی و تشکیل دادگاه بین المللی جنگ بود و افراد را در قبال اقدامات غیرقانونی خود مسئول دانست. مهم تر از همه، صلاحیت جهانی برای تمایز بین جنایات ارتكابی توسط یک دولت علیه بیگانگان و شهروندان خود توسعه یافت و هر دو را محکوم کرد.^{۷۵} با این حال، همچنان حقوق کیفری بین المللی توسط منتقدین تحت فشار قرار دارد و چالش بزرگ مبارزه با مصونیت از مجازات و تقویت مسئولیت پذیری ادامه دارد. اصل قانونی بودن حقوق کیفری در کشورهای دنیا به رسمیت شناخته شده و الزامات متعددی مانند حقوق بشر بر کیفیت و کاربرد آن اثرگذار است.^{۷۶} در حقیقت جنبش پوپولیسم با انحراف روند عادی قانونگذاری، تأثیر منفی بر کیفیت قوانین کیفری و بخصوص حقوق بشر می گذارد. موضوعی که نیاز به بررسی در درون حاکمیت دارد.

۱-۶- پوپولیسم و حقوق بشر

سیاستمداران پوپولیست از اصطلاح «مردم» به عنوان یک ساختار اجتماعی اسرارآمیز^{۷۷} در جهت توجیه ایده‌های خود برای تغییر و نیز به عنوان جایگاهی برای ایده‌های سیاسی و علل اجتماعی قابل

⁷⁴ James Palmer, 'America Loves Excusing Its War Criminals', <https://foreignpolicy.com/2019/05/21/america-loves-excusing-its-war-criminals-trump-pardons/>, accessed on 3 March 2020.

⁷⁵ M. Shahruckh Shahnawaz, "Understanding the Clash between Sovereignty and Universal Jurisdiction", *Pakistan Horizon, Sovereignty and Universal Jurisdiction* 73 (2020): 85.

⁷⁶ Pavlo Demchuk, "Criminal Law & Populism-Is There a Place for Human Rights?", *Vilnius University Press* 4 (2021): 49-55, Accessed May 2021, DOI: <https://doi.org/10.15388/seucl.2021.8>.

⁷⁷ Ernesto Laclau, *On Populist Reason* (New York: London, 2005), 96.

تغییر، استفاده می‌کنند و عنصر هویت را با این مضمون که: «مردم» چه کسانی هستند و چه می‌خواهند، تعریف می‌کنند.⁷⁸ از دیدگاه پوپولیستی، تنها یک خیر مشترک واحد وجود دارد که می‌توان آن را به "یک سیاست منحصر به فرد صحیح و قابل اراده جمعی" منتقل کرد.⁷⁹ بنابراین، پوپولیسم یک ایدئولوژی نیست، حتی یک ایده باریک هم نیست، بلکه یک ذهنیت یا چارچوبی است که با عملکردهای خاص دولتی و استراتژی‌های استدلالی مرتبط است. در کشورهایی که احزاب پوپولیست به تنهایی حکومت می‌کنند، استراتژی‌های آنها برای حکومت اغلب منجر به یک روند عقب نشینی از قانون اساسی می‌شود، که به معنای گذار تدریجی از دموکراسی به رژیم‌های استبدادی (اقتدارگرا) است. هدف دولت‌های پوپولیستی اغلب "ربودن" نهادهای ملی و محدود کردن عملکردهای کنترلی پارلمان و دادگاه‌ها است.⁸⁰

علیرغم ادعاهایی مبنی بر اینکه پوپولیست‌ها صدای واقعی مردم هستند، پوپولیسم نسخه‌ای معتبرتر و همچنین یک اقدام اصلاحی برای همسویی مجدد دموکراسی‌ها با افکار عمومی نیست. پوپولیسم، در بهترین حالت خود، شکاف‌های موجود در جامعه‌ای مبتنی بر مذهب، نژاد یا طبقه را آشکار می‌کند، که عموماً ناشی از فشارهای اقتصادی، واکنش‌های فرهنگی یا هر دو است. همچنین می‌تواند فقدان نمایندگی در نظام سیاسی را برجسته کند. اکثر رهبران پوپولیست، پس از به دست آوردن قدرت، نهادهایی را که ممکن است نفوذ آنها را مهار کرده و اختلافات بین گروه‌ها را تشدید کند، لغو می‌کنند تا از طریق مشتری‌گرایی، یک پایگاه بزرگ حمایتی را حفظ کنند. پوپولیست‌ها به دنبال حذف چهار ستون اصلی دموکراسی یعنی استقلال قضایی، حقوق سیاسی گروه‌های محروم، برابری جنسیتی و آزادی مطبوعات از موقعیت‌های قدرت خود هستند تا ثبات خود را تضمین نمایند.⁸¹ آن‌ها مرتباً سعی می‌کنند آزادی مطبوعات و برخی حقوق اقلیت‌ها را محدود کنند. سیاستمداران پوپولیست با جامعه مدنی مخالف هستند و تمایل دارند فرآیندهای مشارکتی تصمیم‌گیری را رد کنند. این نگرش دستیابی به سازش و اجماع سیاسی را دشوار می‌کند. دولت‌های پوپولیستی به دولت‌هایی گفته می‌شود که در آنها احزابی که سیاست پوپولیستی را دنبال می‌کنند به

⁷⁸ Giorgos Katsambekis, "The Populist Surge in Post-Democratic Times", *Political Quarterly* 88 (2017): 204.

⁷⁹ Müller, Jan-Werner, op. cit, 20.

⁸⁰ "Council of Europe, Secretary General Report: Populism—How Strong Are Europe's Checks and Balances?", 2017, <https://www.coe.int/en/web/human-rights-rule-of-law>, at 6 & Aziz Huq et al, "How to Lose a Constitutional Democracy", *University of Chicago Law School, Chicago Unbound*, 65 *UCLA Law Review* 78, 2018, p 118.

⁸¹ Sarah Repucci, *The global implication of populism on democracy* (University of Washington: The Henry M. Jackson school of international studies, Global Publications, Freedom House, 2018), 5.

تنهایی یا در یک ائتلاف حکومت می کنند یا از طرف احزاب پوپولیست در پارلمان های ملی حمایت می شوند تا سیاست پوپولیستی به طور مستقیم بر فعالیت های دولتی تأثیر بگذارد. در ادبیات دانشگاهی و گزارش های تحقیقاتی، در حال حاضر در اتحادیه اروپا دولت های اتریش، بلغارستان، جمهوری چک، دانمارک، یونان، مجارستان، ایتالیا، لتونی، لهستان، سوئیس و اسلواکی (تا اکتبر ۲۰۱۸) به عنوان پوپولیست دیده می شوند. علاوه بر این، دولت های بولیوی، اکوادور (تحت ریاست جمهوری رافائل کوریا)، هند، اسرائیل، فیلیپین، روسیه، ترکیه، ایالات متحده و ونزوئلا به عنوان پوپولیست یا اعمال شیوه ها و استراتژی های استدلالی پوپولیستی طبقه بندی شده اند.^{۸۲} دولت های پوپولیستی یک چالش بسیار پیچیده هستند چرا که این اقدامات اغلب "تحت پوشش قانون" انجام می شود. اکثراً این دولت ها می دانند که روی آوردن به استبداد باز از نظر شهرت سیاسی در سطح بین المللی بسیار هزینه بر خواهد بود. این دولت ها به طور آشکار تعهدات قانونی را نقض نمی کنند، بلکه تمایل دارند از اصلاحات قانون اساسی، اعلام وضعیت اضطراری، رفراندوم یا تصویب قوانین اساسی جدید برای تغییر چارچوب قانون اساسی موجود استفاده کنند که در نهایت تشخیص استدلال های درست و غلط به چالش کشیده می شود.^{۸۳}

بنابراین در هر نظام حقوقی و سیاسی، ممکن است دولت ها تعهدات قانونی را زیر پا بگذارند، به گونه ای قانون را اصلاح نمایند که اهداف مشروع بشری مورد اعتراض قرار گیرد، نسبت به تعهدات بین المللی بی اعتنا باشد و توافقنامه های بین المللی را نادیده گرفته و از آن ها خارج شود. بنابراین چنین اقداماتی به طور جدی به حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون آسیب وارد می کند. این مشکل آنجا که پوپولیسم به انتقاد از ساختارهای سیاسی یا حقوقی می پردازد بیش از پیش تشدید می شود. به هر حال، عدم پاسخگویی "نخبگان" اغلب به عنوان دلیلی برای ظهور جنبش های پوپولیستی در یک دولت تلقی می شود. الزام به پویایی و ثبات منطقی در حقوق بین الملل کیفری اغلب با منافع طیف وسیعی از شهروندان عادی سازگار نیست و مکتب پوپولیست با این حربه به جنگ حقوق کیفری می رود. به همین دلیل نیاز است تئوری های نامناسب و غیرقابل توجیه در حقوق کیفری تغییر یابد. این گونه است که مشاهده می شود اصل صلاحیت جهانی طی دو دهه اخیر روند رو به رشدی را پیموده اما به دلیل وجود تفکرات پوپولیستی و عدم ایفای نقش "نخبگان"، با کندی

⁸² Cas Mudde, et al, op. cit, 15.

⁸³ Aziz Huq, et al. op. cit, 33.

به مسیر پر فراز و نشیب خود ادامه می دهد و آن طور که باید و شاید در میان جامعه جهانی هنرنمایی نمی کند.

نتیجه گیری

بررسی قوانین و مقررات برخی کشورهای دنیا از جمله جمهوری اسلامی ایران نشان داد که اصل صلاحیت جهانی در اصل قوانین موضوعه و شاکله حقوقی این کشورها وجود دارد. حتی در طی دهه ۱۹۹۰ میلادی این اصل قوت گرفت و توانست دادرسی هایی را بر اساس این اصل بوجود آورد. اما با گذشت این سال ها و ورود در قرن بیست و یکم، شاهد افول، تحلیل و بعضاً نامرئی شدن چنین اصلی هستیم. این امر دلایل مختلفی سیاسی و حقوقی دارد که از جمله آن عدم تقابل، رویارویی و عدم دخالت در حق حاکمیت دیگر کشورها و از همه مهمتر نگرش سیاسی حاکم بر دولت ها همانند نگرش پوپولیستی یا عوام فریبانه و همچنین طلوع دیوان بین المللی کیفری است. نگرشی که در آن خاصه پوپولیست ناسیونالیستی یا ملی گرا به مبارزه علیه حقوق بشر، دادرسی های مرتبط با آن و بخصوص صلاحیت جهانی و مفاهیم آن بر می خیزد.

بنابراین می بینیم که در سال های اخیر کشورهای جهان در زمینه اصل صلاحیت جهانی با فراز و فرودی ملموس و چشمگیر مواجهه هستند و در این میان بیش از هرکس یا هرچیزی، این حقوق بشر است که دستخوش تأثیر و ضرر شده است. اجرای صلاحیت جهانی با روش و عملکرد های پوپولیستی برخی دولت ها به ضعف منجر شد و ایده اصلی صلاحیت جهانی توسط سیاست های بین المللی پوپولیستی تحریف گردید و باعث شد تا مفهوم موسع این اصل به سمت نسخه متعادل تر آن یعنی صلاحیت جهانی مشروط حرکت کند. این امر نشانده آن است که سیاست های پوپولیستی به دنبال عدالت خودساخته خویش است و با حقوق بشر و بخصوص عدالت واقعی به شکلی مرموز در تقابل است. چرا که تفکرات پوپولیستی اگرچه به ظاهر موافق حقوق بشر است اما در باطن و عمل به مخالفت با آن قدم بر می دارد. دولت های پوپولیستی به طور مداوم با عناصر حقوق بین الملل مخالف هستند و به نظر می رسد در این زمینه نارضایتی کلی مردم از حقوق بین الملل نقش داشته است و اگرچه واقعاً نهادهای بین المللی پابرجا بوده و قوانین توسعه یافته است، اما روح قانون به شدت آسیب دیده است. چراکه مردم حقوق بین الملل را مداخله خارجی در امور داخلی کشور خود می دانند. این عدم حمایت مردم همچنان در حال افزایش است و در واقع به صلاحیت جهانی آسیب رسانده است. شاید این ادعا که تفکر و جریان پوپولیستی علت اصلی رکود و به انزوا رفتن صلاحیت

جهانی در کشورهاست، ادعایی جدید، خام و در بدو امر ناملموس باشد اما می توان گفت یکی از علت های اصلی در محو و بی اثر شدن اصل صلاحیت جهانی است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

کتاب

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان، جلد نخست، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- بلدسو، رابرت و بوسلاو بوسچک، علی رضا پارسا، ترجمه و تحقیق، فرهنگ حقوق بین الملل، تهران: نشر قومس، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- بولک، برنار، علی حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم، کیفرشناسی، تهران: نشر مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.
- خالقی، علی، جستارهایی از حقوق جزای بین الملل، تهران: مؤسسه حقوقی شهر دانش، چاپ چهارم، ۱۳۹۳.

- غفوری، احمد، شرح آزمون قانون مجازات اسلامی، چاپ سی و یکم، تهران: انتشارات آریاداد، ۱۳۹۸.

- کسسه، آتونویو، حسین پیران و اردشیرامیراجمند و زهرا موسوی، ترجمه، حقوق کیفری بین المللی، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- نژندی منش، هیبت الله، مجموعه مقالات هدایی به استاد محمدرضا ضیائی بیگدلی، جامعه بین المللی و حقوق بین الملل در قرن ۲۱، تهران: مؤسسه حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.

مقاله

- آزمایش، علی، «زمینه های حقوق جزای بین المللی در قانون گذاری ایران»، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی ۳ (۱۳۷۵).

- پورباقرانی، حسن، «تحول اصل صلاحیت واقعی در لایحه جدید مجازات اسلامی با نگاهی تطبیقی»، فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه های حقوقی ۵۸ (۱۳۹۱): ۷۳-۹۶.

- خالقی، علی، «محاكمه صدام و مسأله صلاحیت دادگاه از منظر حقوق داخلی و بین المللی»، مجله پژوهش های حقوقی ۴ (۱۳۸۲): ۱۰۱ تا ۱۲۲.

- داداش زاده، علیرضا، جوادحیبی، «بررسی و تحلیل اصل صلاحیت جهانی قوانین کیفری»، فصلنامه فقه و مبانی ۱۲ حقوق سال چهارم (۱۳۸۷): ۲۰۷-۲۱۷.

- رستمی، سینا، « بررسی حدود اعمال اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه داخلی کانون وکلای خراسان ۱۹ (۱۳۹۸): ۱۳۷-۱۵۶.
- شریعت باقری، محمدجواد، «صلاحیت جهانی رسیدگی به جرایم بشریت در حقوق فرانسه»، ماهنامه دادگستر (۱۳۸۵).
- شیداییان، مهدی، نصرتی، یزدان، «شناسایی و چالشهای تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق انگلستان»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی ۸۲ (۱۳۹۷): ۱۶۵-۱۹۶.
- ضیایی، سیدياسر، سعید حکیمی ها، «شرایط حقوقی اعمال صلاحیت جهانی در حقوق بین الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی ۵۳ (۱۳۹۵): ۹۷-۱۲۲.
- ضیایی، سیدياسر، سعید حکیمی ها، «صلاحیت جهانی در جرایم جنگی از منظر حقوق ایران»، آفاق امنیت ۲۱ (۱۳۹۲): ۱۵۳-۱۸۰.
- فروغی، فضل اله، «منشاء و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز ۳ دوره ۱ (۱۳۸۸): ۲۱-۴۷.
- هنجنی، سیدعلی، «قواعد بنیادین حقوق بین المللی کیفری و قواعد آمره»، مجله حقوقی نشریه مرکزی امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری ۳۳ (۱۳۸۴): ۲۳۱-۲۴۴.

References

Books

- Arditi, Benjamin, *Populism as an Internal Periphery of Democratic politics*, Francisco Panizza (sd.), Populism & the Mirror of Democracy: London, 2005.
- Carter, Barry E., Allen S. Weiner & Duncan B. Hollis, *International Law*, New York: Wolters Kluwer, 2018.
- cherif Bassiouni, Mahmoud., *Crimes Against humanity in International law*, 2d ed Dordrecht, London: Boston: Kluwer law International, 1999.
- Canefe, Nergis, *International Criminal Law and Limits of Universal Jurisdiction in the Global South: A Critical Discussion on Crimes Against Humanity*, Canada, Ontario: Osgood Hall Law School York University Toronto, 2018.
- Frankel, G., *Belgian War Crimes Law Undone by Its Global Reach*, at AI, WASH. POST, 2003.
- Laclau, Ernesto, *On Populist Reason, On Populist Reason*, New York: London, 2005.

- Laclau, Ernesto & Chantal Mouffe, *Hegemony and Socialist Strategy*, ISBN 1-85984-621-1, UK: London, 2001.
- Mair, Peter, , *Ruling the Void: The Hollifying of Western Democracy*, ISBN 9781781680995, New York: Verso, 2014.
- Stephen Macedo, *Universal Jurisdiction: National Courts and the Prosecution of Serious Crimes Under International Law*, ISBN 9780812219500, USA: University of Pennsylvania Press, 2006.
- Mudde, Cas & Cristóbal Rovira Kaltwasser, *Populism: A Very Short Introduction*, ISBN: 9780190234874, London, Published Oxford, 2017.
- Müller, Jan-Werner, *What Is Populism?*, Penguin Books Ltd, Kindle Edition, USA: University of Pennsylvania Press, 2017.
- Pratt, John, *Penal Populism*, This edition published in the Taylor & Francis e-Library, ISBN-10: 0415385083, Simultaneously published in the USA and Canada by Routledge, 2007.
- Repucci, Sarah, *The global implication of populism on democracy*, USA: University of Washington, The Henry M. Jackson school of international studies, Global Publications, Freedom House, 2018.
- Robinson, Mary, *The Princeton Principles on Universal Jurisdiction*, New Jersey, Princeton: Princeton University Press, 2001.
- Neil Tate and Torbjörn Vallinder, *The Global Expansion of Judicial Power*, New York : New York University Press, 1995.

Articles

- Alston, Philip, "The Populist Challenge to Human Rights", *Journal of Human Rights Practice* 9 (2017).
- Arato, Andrew, *Populism, Constitutional Courts and Civil Society*, Cambridge University Press, (2019): 1-21, Accessed November-December 2018, DOI: 10.1017/9781108348669.016.
- Balfour, Rosa, "The (Resistable) Rise of Populism in Europe and its Impact on European and International Cooperation", *Iemed Mediterranean Yearbook* (2017): 56-60.
- Blokker, Paul, "Populism as a constitutional project", *Oxford University Press and New York University School of Law* 2 (2019): 535–553.
- Bradford, Anu & Eric A. Posner, "Universal Exceptionalism in International Law", *Harvard International Law Journal* 52 (2011): 1-53.
- Cassese, Antonio, "Is the Bell Tolling for Universality? A Plea for a Sensible Notion of Universal Jurisdiction", *Journal of International Criminal Justice* 3 (2003): 589–595.
- Dahrendorf, Ralf, "Eight Notes on Populism in Transit: European Review", *Institute for Human Sciences in Vienna* 25 (2003):156-163.

- Demchuk, Pavlo, “Criminal Law & Populism-Is There a Place for Human Rights?”, *Published by Vilnius University Press* 4 (2021): 49-55, Accessed May 2021, DOI: <https://doi.org/10.15388/seucl.2021.8>.
- Ellis, Mark, “The Decline of Universal Jurisdiction–Is it Reversible?”, *10th Annual Ruth Steinkraus-Cohen International Law lecture SOAS* (2012): 1-18.
- Gusterson, Hugh, “From Brexit to Trump: Anthropology and the Rise of Nationalist Populism”, *American Ethnologist* 44 (2017): 209-214.
- Hedvall, Per, "THE SWEDISH REPORT ON THE PROSECUTING CORPORATIONS FOR VIOLATIONS OF INTERNATIONAL CRIMINAL LAW", *RIDP*, (2018): 1-8, Available online at [http://www.penal.org / R](http://www.penal.org/R).
- Helfer, Laurence R., “Populism and International Human Rights”, *Duke University School of Law; University of Copenhagen* 133 (2020): 218-249.
- Hönnige, Christoph, “Beyond Judicialization: Why We Need More Comparative Research about Constitutional Courts”, *European Political Science* 3, (2011): 346–358.
- Huq, Aziz & Tom Ginsburg, “How to Lose a Constitutional Democracy”, *University of Chicago Law School, Chicago Unbound* 65 (2018): 80-168.
- Khalifa, Alfadhel & M. Cherif Bassiouni, “Chronicles of the Egyptian Revolution and its Aftermath: 2011-2016”, *Asian Affairs* 48 (2017): 359-361, DOI: 10.1080/03068374.2017.1313587.
- Krieger, Heike, “Populist Governments and International Law”, *The European Journal of International Law* 3 (2019): 971–996.
- Katsambekis, Giorgos, “The Populist Surge in Post-Democratic Times”, *Political Quarterly* 2 (2017): 202-210.
- Kosař, David, Jiří Baroš, & Pavel Dufek, “The Twin Challenges to Separation of Powers in Central Europe: Technocratic Governance and Populism”, *European Constitutional Law Review* 3, (2019): 427-461.
- Langer, Máximo, & Mackenzie Eason, “The Quiet Expansion of Universal Jurisdiction”, *The European Journal of International Law* 3, (2019): 779–817.
- Lasok, David, “The Eichmann Trial”, *Cambridge University Press* 11(2) (2008): 355-374, doi:10.1093/iclqaj/11.2.355.
- Liesbeth, Zegveld, & Jeff Handmaker, “Universal Jurisdiction: State of Affairs and Ways Ahead”, *Institute of Social Studies & Leiden University School of Law and the ICCO Foundation* 532 (2012).
- Orentlicher, Diane, “The Emerging Shape of Global Justice: Retrogression or Course Correction?”, *Maryland Journal of International Law* 35 (2021): 60-72.
- Petrov, Jan, “(De-)judicialization of politics in the era of populism: lessons from Central and Eastern Europe”, *The International Journal of Human Rights*, (2021): 1-26, Accessed 11 May 2021, doi.org/10.1080/13642987.2021.1931138

- Philippe, X. “The principles of universal jurisdiction and complementarity: how do the two principles intermesh?”, *International Review of Red Cross* 862 (2006): 375-398.
- Posner, Eric, “Liberal Internationalism and the Populist Backlash”, *University of Chicago Public Law & Legal Theory Paper Series* 606 (2017): 1-17.
- Randall, Kenneth C., “Universal jurisdiction under international law”, *Texas Law Review* 66 (1988): 785-815.
- Reydamas, Luc, “Belgium Reneges on Universality: The 5 August 2003 Act on Grave Breaches of International Humanitarian Law”, *Journal of International Criminal Justice* 3 (2003): 679–689.
- Shahnawaz, M. Shahrukh, “Understanding the Clash between Sovereignty and Universal Jurisdiction”, *Pakistan Horizon, Sovereignty and Universal Jurisdiction* 73 (2020): 69-88.
- Sliedregt, Elies Van, "International Crimes before Dutch Courts:Recent Developments", *Leiden Journal of International Law* 4 (2007): 895 – 908.
- Solera, Oscar, “Complementary jurisdiction and international criminal justice”, *International Review of the Red Cross* 84 (2002): 145-171.
- Sulzer, Jeanne, “Implementing the Principle of Universal Jurisdiction in France-International Prosecution of Human Rights Crimes”, *Springer, Berlin Heidelberg New York* (2007), ISBN-10 3-540-36648-2.
- Zhang, Zihan, “On the Universal Jurisdiction in International Law”(3rd International Workshop on Advances in Social Sciences (IWASS 2020) London, United Kingdom, from 2020-06-19 to 2020-06-21: 22-25.

English thesis

- Ardabili, Vanessa, “Universal Jurisdiction and Populism, Is it possible to secure a genuine application of the principle of universal jurisdiction in the face of rising 21st century populism?”, PhD diss, UNIVERSITY OF PADOVA European Master’s Degree in Human Rights and Democratisation, 2019.

Websites, documents & reports

- “A note summarising the UK’s approach to the investigation and prosecution of crimes of universal jurisdiction”, Published 21 May 2018, available at: <https://www.gov.uk/government/news/universal-jurisdiction>.
- André Munro, "Populism political program or movement", 2013, available at :<https://www.britannica.com/topic/populism>.
- “Belgian Court of Cassation”, Feb. 12, 2003 (Belg.), available at: <http://www.indictsharon.net> (unofficial English translation of the opinion).
- “Council of Europe, Secretary General Report: Populism—How Strong Are Europe’s Checks and Balances?”, 2017, available at:<https://www.coe.int/en/web/human-rights-rule-of-law>.

- “Code of Crimes against International Law” or CCAIL”, entered into force on June 30, 2002, unofficial English translation, undated, accessed September 10, 2014, available at: <http://www.iuscomp.org/gla/statutes/VoeStGB.pdf>.
- “Hague Centre for Strategic Studies”, 2017, *The Rise of Populist Sovereignism*, at 97.
-<https://www.theguardian.com/law/2020/sep/03/us-sanctions-on-icc-prosecutor-unacceptable-says-eu>.
- James Palmer, ‘America Loves Excusing Its War Criminals’, <https://foreignpolicy.com/2019/05/21/america-loves-excusing-its-war-criminals-trump-pardons/>, accessed on 3 March 2020.
- Krastev, Ivan, ”The Populist Moment”, Eurozine, 2017, available at: <https://www.eurozine.com/the-populist-moment/?pdf>, p 2.
- Langer, Ma’ximo, “The Diplomacy of Universal Jurisdiction: The Political Branches and The Transnational Prosecution of International Crimes”, 2012, available at: <http://www.jstor.org/stable/10.5305/amerjintelaw.105.1.0001>, p 24.
- “Spanish FM: We’ll Act to Prevent War Crimes Probes Against Israel”, Haaretz, 1 January 2009, available at: <http://www.haaretz.com/news/spanish-fm-we-ll-act-to-prevent-war-crimes-probes-against-israel-1.267048>.
- Todeschini, Vito, “Interview with Sam Zarifi, Secretary-General of the International Commission of Jurists-‘Human Rights in the Time of Populism, Rights!’”, 2018, available at: <https://rightsblog.net/2018/12/17/human-rights-at-the-time-of-populism/>.
- “Euronews”, 4 May 2022, <https://per.euronews.com/2022/05/04/hamid-nouris-trial-ends-after-92-hearings-in-stockholm-the-initial-verdict-will-be-issued>.
- “UK Approach to Protection of Civilians in Armed Conflict”, 27 August 2020, available at: <https://www.gov.uk/government/publications/war-criminals>.
- Wuerth, Ingrid, “International Law in the Post-Human Rights Era”, 2017, Available at: <http://scholarship.law.vanderbilt.edu/faculty-publications/36>.